

# پیشش

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران (هانوفر)

سال دوم شماره ۲۰

تروریسم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم

۷

نگاهی به کودتای نافرجام در شوروی

و علل وقوع آن

کودتای نافرجام ۱۹ تا ۲۱ اوت در شوروی و تحولات مربوط

به آن، از چنان اهمیتی برخوردار بود که به مدت چند روز بخش اعظم وقت و انرژی سرویسهای خبری و رسانمهای گروهی جهان را به خود اختصاص داد.

این کودتا در شرایطی صورت گرفت که اتحاد شوروی در بحران

سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرو رفته بود.

تفسیر ریل اقتصاد شوروی از اقتصاد دولتی همراه با برنامه‌ریزی مرکزی به

۴

در صفحات دیگر :

\* گلوله در شقیقه زندانیان سیاسی

۱۱

\* نظم نوین امیرالایم و زندگی فلاکت‌ناگسخت فلسطینیهای مقیم کویت

۱۳

\* کمیابی گوشت در ایران و

قاچاق کوسفند از ایران به ترکیه

۲۱

\* نامه‌های رسیده

۲۴

\* اخبار

۱۷

\* جدول

۱۵

\* بر نطح خون خویش

۱۲

\* پاسخ دفتر سازمان ملل به نامه اعتراضی ما

۲۸

## امثال و حکم

۱۶

شورش مردم در زنجان و ادامه ناآرامی‌ها در ایران

در زنجان مردم خشمگین بر علیه رژیم جمهوری اسلامی دست به تظاهرات وسیعی زدند و به مراکز دولتی و بانکها حمله کردند. مردم که شعارهایی بر علیه رژیم و سردمداران آن می‌دادند، با پرتاب سنگ شیشه‌های ساختمان‌های دولتی را شکستند.

بنا به اخبار رادیو اسرائیل وسعت حرکت اعتراضی مردم به اندازه‌ای بود که رژیم را غافلگیر نمود و ۲

سخنرانی رفیق خسرو شاهی در هانوفر

در تاریخ ۲۶ ژوئیه جلسه‌ای به دعوت کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران و انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی، با حضور ۴۰ تن و در یکی از سالنهای دانشگاه هانوفر برگزار گردید.

موضوع بحث مروری بر تشکلهای کارگری و موانع موجود در مقابل ایجاد تشکلات مستقل کارگری در ایران بود. برای ارائه این بحث از رفیق بدالله خسرو شاهی یکی از چهره‌های سرشناس و مورد اعتماد کارگران صنعت نفت دعوت شده بود.

در ابتدا یکی از رفقا ضمن خوش آمد گویی به حضار بر اهمیت طرح و بحث مسائل مهم جنبش کارگری تاکید نموده و به بازگویی فزاینده‌ای از زندگی بدالله خسرو شاهی پرداخت. آنگاه رفیق خسرو شاهی بحث

۸

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - زنده باد انقلاب

## شورش مردم در زنجان و ادامه ناآرامیها در ایران

نیروهای انتظامی ناچار شدند برای سرکوب حرکت مردمی، شهر را کاملاً "میلیتاریزه کنند". نیروهای سرکوب رژیم عاجز از کنترل تظاهرات به سوی مردم آتش می‌کشایند و در نتیجه حداقل ۵ تن - از تظاهرکنندگان کشته می‌شوند. از تعداد مجروحین و همچنین بازداشت شدگان خبری در دست نیست. (۱)

بنا به گزارش روزنامه‌های دولتی ایران، این شورش بدنبال تهاجم نیروهای انتظامی رژیم و مامورین - تخریب شهرداری به خانمهای بدون مجوز قانونی به منظور تخریب آنها صورت گرفته است؛ ولی عقاید شهرداری زنجان با تکذیب این اخبار، اعتراضات را به مخالفین دولت و اسلام و "عدهای فرصت طلب" نسبت میدهند. نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بعد از سرکوب تظاهرات مردم، اقدام به سازماندهی حزب اللهیها و نیروهای سپاه پاسداران نموده و تظاهراتی را توسط آنها به نفع دولت سازمان دادند و شهر توسط نیروهای وابسته به رژیم قرق شد.

در طی يك ماهه اخیر حرکات اعتراضی مردم تحت ستم ایران علیه تضییقات و تعدیات نیروهای رژیم وسعت نسبی و چشمگیری یافته است و مخالفت‌های مردمی با حکومت آشکارتر شده است.

در اصفهان مردم به جانبداری از زنان، به نیروهای حزب اللهی و انتظامی رژیم حمله کردند ساختمانهای دولتی را مورد حمله قرار دادند و با ماموران رژیم به زدو خورد پرداختند، که در این میان بنا به گزارشات رسمی ۲۰۰ تن بازداشت شدند.

در مسجد سلیمان مردم به دلیل کمبود آب در فصل گرما و بی توجهی مقامات به تظاهرات علیه رژیم پرداختند و با ماموران دولتی به مقابله پرداختند.

در باقر آباد تهران، در روز ۶ مرداد ماه، مردم خشمگین به مقابله با تعرض پاسداران، نیروهای انتظامی و همچنین مامورین تخریب شهرداری پرداختند و با اتحاد و یکپارچگی خود رژیم را وادار به عقب نشینی نمودند. بعد از این واقعه، دستگیریهای وسیعی در سطح محله باقرآباد به عمل می‌آید.

در ساوه مردم در تظاهرات پراکندهای در اعتراضی به افزایش قیمت‌ها، شیشه‌های چند بانک و مؤسسه دولتی را می‌شکنند.

در تهران (بازار تهران و چند منطقه دیگر)، اصفهان (سینما "سپاهان" و "بازار میدان کهنه")، رشت (انفجار بمب در بازار این شهر)، مسجد سلیمان (انبار قند) و چند منطقه دیگر آتش سوزیهایی رخ داده است.

## شورش مردم در زنجان و ادامه ناآراميتها در ايران

اين حرکات اعتراضی، نشانگر اين حقيقتند که انسانهای لگد مال و تحقير شده، زمانی که يکديگر را در - کار هم می‌يابند، زمانی که از افراد به در می‌آيند و به توان و اراده جمعی خود پی می‌برند، به چه نیروی دست می‌يابند. مردم درمندی که طی حاکميت جمهوری اسلامی يك قطره آب خوش از گلویشان پائين نرفته، با بدست آوردن کوچکترین فرصتی، غلیان و خروش خود را عليه رژیم به نعایش می‌کنارند و اراده خود را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار میدهند.

در برابر حرکات اعتراضی و تظاهرات مردم، رژیم با تمام توان و با استفاده از نیروهای سرکوبگر خود کوشيده است به هر وسيله ممکن از گسترش دامنه اعتراضات جلوگیری کند، چنانکه ضمن سرکوب حرکات اعتراضی مردم، دست به اقدامهایی در مناطق جنوبی ايران زده است. تازهترین اين اقدامها در هفته گذشته به وقوع پيوست که در آن ۶ تن از کسانی که رژیم آنان را " اشرار " ناميد در سیرجان اعدام شدند. اسامی آنها به ايسن شرح اعلام شده است: سيد اکبر پورسید، غلامرضا نادری، داود خواجوی، مجيد کامجو، اکبر شهرياری و مراد بلوری.

امروز در شرایطی که مشتی عافيت طلب به جناحهایی از هيات حاکمه دل بستند و يا زمزمه تبليغ عليه انقلاب، برای آنان به فضیلتی بدل گشته، مردم درمند و زجر کشيده ايران با عزم استوار خود و با شعارهایشان بر عليه کليت رژیم جمهوری اسلامی آرزوی آغاز يك زندگی شادمانه را در يك انقلاب قهرآمیز و سرنگونی جمهوری اسلامی می‌جویند.

اينک وظيفه ماست که در جهت حمايت از مبارزات مردم، صدای اعتراضی آنان را به گوش جهانیان برسانيم و همبستگی خود را با اين مبارزات به عمل در آوريم.

کميته همبستگي با مبارزات مردم ايران - هانوفر

۱۹۹۱/۸/۱۹

(۱) بنا به اطلاعاتی که یکی از رفقا تلفنی کسب کرده است، در اين تظاهرات حدود ۳۰ هزار نفر شرکت داشتند. مردم در مقابل هجوم نیروهای سرکوبگر رژیم مقاومت می‌کنند و به زد و خورد با آنها می‌پردازند. در اين میان ۴۰ نفر کشته می‌شوند که تعدادی از آنها جزء نیروهای رژیم بوده‌اند.

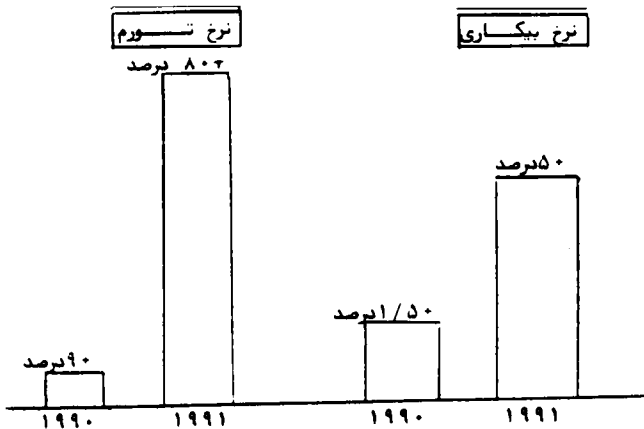
□

اخبار اعتصابات و تظاهرات کارگری و توده ای در ايران را به اطلاع جهانیان برسانيم!

## بقیه از صفحه ۱ نگاهی به کودتای نافرجام در شوروی و علل وقوع آن

جدول شماره ۲ - کسری بودجه شوروی در سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ (۴)

بدیهی است فشار این وضعیت وخیم اقتصادی در درجه اول بر دوش کارگران و تهیدستان شوروی قرار دارد. هم اکنون در شوروی ۸ میلیون بیکار وجود دارد. نرخ تورم به طور چشمگیری افزایش یافته و دستمزد واقعی کارگران دائماً در حال تنزل است. نمودار زیر افزایش جهشوار نرخ بیکاری و تورم در شوروی را نشان میدهد.



نمودار افزایش نرخ بیکاری و تورم در سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ (۵)

علاوه بر این شرایط وخیم اقتصادی، شوروی سالهای اخیر شاهد بحرانهای اجتماعی - سیاسی شدیدی بوده است. اعتصابات کارگران معدن در تابستان ۸۹ و مارس و آوریل امسال با خواست اضافه دستمزد، بهبود شرایط کار، برکناری گورباچف و ۰۰۰۰، افزایش ناراضیاتی از حکومت و وضعیت موجود در بین صفوف گستردهای از مردم و اقدام به تظاهرات و اعتراضات متعدد از جانب ایشان، اختلافات و درگیریهای ملی (۶) و خواست استقلال برخی از جمهوریهای شوروی و درگیری بین جناحهای مختلف حکومتیان تنها گوشههایی از این بحران سیاسی-اجتماعی را منعکس میکنند.

مجموعه این شرایط موجب شده بود که از چند ماه قبل از کودتای صحت از شکست سیاستهای گورباچف و به بن بست رسیدن پرسترویکا و ضرورت تغییر وضعیت موجود به میان آید.

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه کودتا یک روز پیش از امضای "قرارداد اتحاد" (Vertragsunion) به وقوع پیوست و یکی از دلایل وقوع

کودتا جلوگیری از امضای این قرار داد بود.

در "قرارداد اتحاد" که بنا بود روز بیستم اوت توسط دولت‌های ۹ جمهوری از مجموع ۱۵ جمهوری شوروی به امضا برسد، اختیارات وسیعتری برای

یک اقتصاد بر بازار از نوع غرب، نه تنها به فرجام نرسیده بلکه اقتصاد کشور را به هرج و مرج کشانده است. زیرا از یکسو در مکانیسمهای سابق اقتصاد دولتی اختلال بوجود آمده و از سوی دیگر مکانیسمهای اقتصادی جدید استقرار نیافته است. شبکه توزیع دولتی در بخشهای بزرگی از کشور مختل شده و یا تحت الشعاع بازار سیاه قرار گرفته است. مردم با کمبود شدید کالاهای مصرفی روبرویند. طبق برآورد انستیتوی تحقیقی WNIKS در مسکو، ۹۸ درصد کالاهای مصرفی مورد تحقیق این انستیتو گمباید میباشد.

رشد اقتصادی در شوروی سالهاست گرایش نزولی دارد. از اواخر سال ۸۹ تاکنون وضعیت وخیم اقتصادی ابعاد گستردهتری به خود گرفته و وارد مرحله کیفیتا جدیدی شده است. تا آنجا که در سالهای ۹۰ و ۹۱ نه تنها اقتصاد شوروی رشد نکرده بلکه نزول نیز نموده است. DIW آمار زیر را در مورد درصد عقب کرد اقتصاد شوروی در سال ۱۹۹۰ و سه ماهه اول سال ۹۱ منتشر کرده است.

	۱۹۹۰	سه ماهه اول ۱۹۹۱
بازدهی کل اقتصاد	-۲	-۸
تولیدات صنعتی	-۱/۵	-۵
تولیدات کشاورزی	-۲/۳	-۱۳
حمل و نقل کالا	-۵/۹	-۸
صادرات	-۱۱/۵	-۱۸
واردات	-۱/۹	-۴۵
سرمایه گذاریها	-۵/۵	-۱۶

جدول یک - درصد عقب کرد اقتصاد شوروی در سال ۹۰ و سه ماهه

اول سال ۹۱ (۱)

تنها در ماه مه امسال ۳۰۰ کارخانه در شوروی به دلیل نبود وسایلی بکنی و مواد مورد نیازشان ناگزیر به تعطیل شدند. (۲) قروض خارجی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و از ۶۲/۵ میلیارد دلار در سال گذشته به ۷۵ میلیارد دلار در سال ۹۱ بالغ شده است. (۳) کسری بودجه نیز در سالهای اخیر به طور جهشوار افزایش یافته است. جدول زیر در مورد کسری بودجه، به نقل از آمار رسمی شوروی میباشد.

	۱۹۸۵	۱۹۸۷	۱۹۸۹	۱۹۹۰
به میلیارد روبل	۱۸	۵۷/۱	۸۰/۷	۵۸/۱
درصد نسبت به تولید ناخالصی ملی	۲/۷	۸	۸/۸	۶/۴

## نگاهی به کودتای نافرجام در شوروی و علل وقوع آن

اضطرابی کرد، فعالیت همه احزاب سیاسی و برگزاری تظاهرات و میتینگ را ممنوع اعلام نمود و تمامی مطبوعات و رسانه‌های گروهی داخلی را تحت سانسور قرار داد.

از طرف دیگر یانایف رئیس کسپت، در پیام خود به سران حکومتها و دبیر کل سازمان ملل، تاکید کرد که اقدامات اضطرابی به هیچوجه بر تمهیدات بین‌المللی شوروی نسبت به قراردادهای و توافقهای موجود تأثیر نخواهد گذاشت و اصلاحات در تمامی زمینه‌های حیات دولت و جامعه ادامه خواهد یافت. (۹)

در همان روز هزاران تانک و خودروی نظامی در نقاط حساس شهر مسکو مستقر شدند.

کودتا در سطح داخل کشور با مقاومت‌های گسترده‌ای روبه‌رو شد. بوریس یلتسین که عملاً رهبری مخالفان کودتا را به دست گرفت مدت کوتاهی پس از وقوع کودتا، خواهان خلع ید از کودتاگران شد، مردم را به یک اعتصاب نامحدود فراخواند و خواستار بازگشت گورباچف گردید. صدها هزار تن در مسکو، لنینگراد، کیشیف - پایتخت ابالت ملداوی - و شهرهای دیگر تظاهرات کردند. در مسکو دهها هزار تن به طور شانه‌روزی در خیابانها اجتماع کردند و در اطراف ساختمان پارلمان مسکو که مقر یلتسین و حدود ۱۰۰ تن از نمایندگان مجلس جمهوری روسیه بود، باریک‌ساز ساختند. کارگران در بسیاری از صنایع - بویژه دهها هزار کارگر معدن - دست از کار کشیدند. بخشی از نیروهای نظامی مستقر در مسکو از کودتاگران روی گردانند و به صفوف معترضین پیوستند و ۰۰۰ به اسب ترتیب کودتاگران در داخل کشور به سرعت به موضع تدافعی افتادند.

در سطح جهانی نیز وضع بهتر از این نبود. علیرغم وعده‌های قدرتمندان جدید مبنی بر وفاداری به تمهیدات بین‌المللی آمریکا، دولت‌های عضو جامعه اروپا، ژاپن، کانادا و استرالیا کمک‌های اقتصادی خویش به شوروی را به حالت تعلیق در آوردند. بوش و ميجر - نخست وزیر انگلستان - بیش از سایرین بر حمایت از یلتسین، برکناری کودتاگران و بازگشت گورباچف پای فشرده.

غالب دولتهای اروپای شرقی نیز یا به گونه محافظه کارانه‌ای با کودتا مخالفت کردند و یا از به رسمیت شناختن کسپت کودتا سرباز زدند. تنها کسانی که آشکارا از کودتا استقبال نمودند، صدام حسین و معمر قذافی - حاکم لیبی بودند!

علاوه بر مقاومت گسترده داخلی و فشار بین‌المللی، خود طرح کودتا نیز به شکل ناشایسته‌ای ریخته شده بود و کودتاگران با اولیوس مقاومتها به سردرگمی و آشفتگی دچار شدند و دست و پای خویش را گم کردند.

جمهوریها منظور شده است. طبق قرارداد منکور از یکسو جمهوریها میبایست نهادهای "فدراسیون دمکراتیک جمهوریهای مستقل متساوی الحقوق شوروی" (۷)، ارتش، سازمانهای امنیتی و "ارگانهای حفاظت از قانون" (پلیس و دستگاه قضایی) را بپذیرند و این امر به منظور ابقای قدرت هر چند محدود دولت مرکزی بود و از سوی دیگر جمهوریها امکان بیابند مستقیماً با دولتهای دیگر روابط دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی برقرار کنند.

مفاد قرارداد منکور موجودیت اتحاد شوروی در شکل موجود خویش را به زیر سؤال می‌برد و کودتاگران با این موضوع مخالف بودند.

## کودتای نافرجام و پیامدهای آن

روز دوشنبه ۱۹ اوت ساعت ۳ باعداد به وقت آلمان، گورباچف خلع ید شد و یک کسپت هشت نفره قدرت را به دست گرفت. اعضای این کسپت که خود را "کمیته دولتی وضعیت استثنایی" می‌نامند، عبارت بودند از:

- گنادی یانایف (۵۲ساله): در دسامبر گذشته به پیشنهاد گورباچف توسط کنگره نمایندگان مردم به مقام معاون ریاست جمهوری انتخاب شد. جالب است بدانیم که کنگره در دور اول صلاحیت یانایف را برای این مقام رد کرد اما گورباچف بر انتخاب وی پافشاری نموده و در تأییدش گفت: من مایلیم مردی را در کارم داشته باشم که در این زمان ۰۰۰۰ به آن کاملاً اعتماد دارم. یانایف ریاست کمیته کودتاگران را به عهده داشت.

- دیمتری یازف (۶۷ ساله): وزیر دفاع، وی طرزال ارتش بود.

= بوریس یوگوز: وزیر داخله -

- ولادیمیر کروچکف (۶۷ ساله): رئیس کاس.گ.ب.

- والننتین پاولف (۵۳ ساله): نخست وزیر. وی از ژانویه امسال به پیشنهاد گورباچف به مقام نخست وزیر رسیده بود. گورباچف وی را "بند تنورسین اقتصاد" که قادر است مسائل دشوار اقتصادی کشور را حل کند، توصیف نموده بود.

- باکلانف: رئیس کمیسیون کمیته مرکزی "حزب کمونیست شوروی" در امور سیاست نظامی.

- اشتار ودویزف: رئیس اتحادیه دهقانان.

- نیساکف: رئیس اتحادیه نگاههای دولتی و تأسیسات صنعتی، حمل و نقل و ارتباطات. (۸)

کمیته منکور در پیامهای روز ۱۹ اوت به مدت شش ماه اعلام وضعیت

## نگاهی به کودتای نافرجام در شوروی و علل وقوع آن

هفته نامه اسپیکل مورخ ۲۶ اوت ۹۱ در مورد طرح ریزی ناشیانه کودتا رهنمود:

"فدرالیزان سال ۹۱ (کتابچه از کودتاگران است) که بنگ فارتال و بنگ تیس امنیتی نیز در میانمان بودند آثار و راهی نامیتر از افسران ربه پامین نریقایی یا رفقایشان در پکن بودند."

نها در کودتای ناشیانشان مرزها را نیستند، خطوط ارتباطی را قطع کردند، خبرنگاران خارجی را سانسور نکردند، حتی به فرستندههای موزیونی خارجی اجازه ندادند از طریق ماهواره در شوروی برنامه پخش کنند. منوعیت تظاهرات پیش برده نشد، تهدید "ستگری" مخالفان ملی نشد، حتی ساعت لشکرهای محدود تضمین شده نبود..."

رانجام روز چهارشنبه ۲۱ اوت کودتا به شکست انجامید. واحدهایظامی دوباره به پادگانها بازگشتند و کمیته کودتا منحل شد. مدت کوتاهی بعد همه اعضای کمیته به جز پوکو که خودکشی کرد، دستگیر شدند.

## پیامدهای شکست کودتا

شکست کودتا راه را برای یکه تازی "جناح تندرو" به رهبری بوریس یلتسین هموار کرد. ظرف چند روز گذشته یلتسین عملاً ابتکار عمل را به دست گرفته و تا حدود زیادی نظرات و سیاستهای خود را دیکته کرده است. در همان روز بازگشت گورباچف به مسکو-۲۲ اوت - وی ویلتسین در پشت درهای بسته به مذاکره پرداختند و در پایان مذاکرات اعلام کردند که به نتایج مشترکی دست یافتهاند. در جلسه پارلمان جمهوری روسیه که گورباچف نیز در آن حضور داشت، یلتسین حکم منوعیت فعالیت "حزب کمونیست شوروی" در جمهوری روسیه را تا زمانی که نقش حزب در کودتا روشن شود، اضا کرد. گورباچف کسه در عین حال دبیر کل حزب نیز بود، جز ابراز مخالفت ملایم و خفیهی، نتوانست کاری انجام دهد. قبل از آن یلتسین حکم منوعیت انتشار شش نشریه حزب از جمله پروادا، ارگان مرکزی حزب، را در جمهوری روسیه (با بیش از ۱۲۲ میلیون جمعیت) صادر کرده (۱۰) و روسای خبرنگارهای تاس و "نووستی" را به جرم حمایت از کودتا برکنار نموده بود.

علاوه بر جمهوری روسیه تاکنون جمهوریهای لیتوانی (با ۲/۶۸۱/۰۰۰ تن جمعیت)، لاتوی (با ۳/۶۹۰/۰۰۰ تن) استونی (۱/۵۲۳/۰۰۰ تن)، گرجستان (۵/۴۲۹/۰۰۰ تن) و اوکراین (۵۱/۷۰۴/۰۰۰ تن) نیز فعالیت "حزب کمونیست" را منسوع کردهاند. (۱۱)

روز بیست و چهارم اوت گورباچف رسماً از سمت دبیر کلی "حزب کمونیست" کنارهگیری کرده و به کمیته مرکزی حزب پیشنهاد نمود، خود را منحل کند. وی همچنین هر نوع فعالیت حزب در دستگاه دولتی، ارتش و کاس. گ. ب را منسوع نموده و اختیار داراییهای حزب را به پارلمانهای جمهوریها واگذار کرد.

مجموعه اقدامات چند روزه اخیر باعث شده "حزب کمونیست" عملاً از قدرت دولتی کنار زده شود و در بنگ قدمی انحلال قرار گیرد.

اقدام دیگر گورباچف تعیین ایوان سیلابف، نخست وزیر جمهوری روسیه و یکی از یاران نزدیک یلتسین، به عنوان نخست وزیر بنگ دولت انتقالی بود. گورباچف همچنین برای معاوضت خود آلکساندر یاکوف را پیشنهاد کرده است. یاکوف مشاور سابق گورباچف و از "جناح تندرو" است. وی مدت کوتاهی پیش از کودتا در اعتراض به سیاست سازشکارانه و ناپیگیری گورباچف از "حزب کمونیست" کنارهگیری کرده بود.

مسئله مهم دیگر، وقایعی است که در چند روز اخیر در زمینه مذاکرات و کشمکشهای ملی رخ داده است. تا تاریخ ۲۷ اوت از مجموع ۱۵ -

جمهوری، ۷ جمهوری اعلام کردهاند که مایلند از اتحاد شوروی جدا گردیده و مستقل شوند. در این میان استقلال جمهوریهای بالتیک از جانب دول عضو جامعه اروپا (EG) و چندین کشور اروپایی دیگر به رسمیت شناخته شده و در عرصه داخلی نیز مانعی در جهت جلوگیری از جدایی این جمهوریها از اتحاد شوروی وجود ندارد. اما در مورد سایر جمهوریها، امکان شدت یافتن مخاصمات ملی موجود است. در این زمینه به چند واقعه اشاره میکنم: بوریس یلتسین کسه تا مدت کوتاهی پیش طرفدار دو آتشه استقلال جمهوریها بود و بلافاصله پس از شکست کودتا استقلال جمهوریهای بالتیک را به رسمیت شناخت، در عرض مدت کوتاهی روش خود را تغییر داد. وی در روز ۲۶ اوت اعلام کرد: در صورت درهم پاشیدن اتحاد شوروی میبایست در مرزهای جمهوریها تجدید نظر شود. این صحبتها با مخالفت نمایندگان جمهوری اوکراین - و برخی جمهوریهای دیگر هم مرز جمهوری روسیه رو به رو شد و به عنوان تلاشی برای دیکته کردن اوامر جمهوری روسیه به سایر جمهوریها تلقی گردید. لئونید کراوچک - رئیس مجلس اوکراین - روز ۲۷ اوت این "انطای خاك" از جانب یلتسین را بسیار خطرناك توصیف کرد. به دنبال این وقایع، از جانب جمهوری روسیه هیئتی به کیف پایتخت اوکراین فرستاده شد تا با مقامات اوکراین به مذاکره بپردازد. روز ۲۸ اوت اعلام شد که جمهوریهای روسیه و اوکراین قصد دارند اختلافات موجود را کنار گذاشته و برای جلوگیری از متلاشی شدن اتحاد شوروی به طور موقت

## تروریسم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم

قتل بختیار براساس يك طرح دقیق صورت گرفته و قاتلین سناریوی جنایت را بارها به دقت تمرین کرده بودند. دلایل و شواهد موجود حکایت از نقش مستقیم رژیم در این ترور دارند.

در تاریخ ۲۱ اوت (۳۰ مرداد) تلویزیون شبکه اول آلمان خبر داد که یکی از قاتلان بختیار به نام رادعلی وکیلی توسط پلیس دستگیر شده است.

مدارك و شواهد روشن موجود حول ترور اخیر، و همچنین دستگیری یکی از تروریستها، موقعیت و فرصت مناسبی را در اختیار نیروهای اپوزیسیون قرار دادند تا با استفاده از آنها به صورت ملموس‌تری نقش رژیم را در ترورها برملا نمایند.

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران با محکوم نمودن مکرر تروریسم جمهوری اسلامی، از تمامی نیروهای اپوزیسیون می‌خواهد که با تمام نیرو مراقب اوضاع باشند تا ماجرای ترور فوق، دستخوش زبوندهای حکومتی بین دول ایران و فرانسه قرار نگیرد.

محاکمه علنی تروریست دستگیر شده، چاپ و انتشار کامل اعترافات وی و همچنین کلیه مدارکی که در رابطه با قتل بدست آمدند خواسته است که می‌بایستی با کوشش، جدیت و همکاری نیروهای اپوزیسیون تحقق یابد. □

شاپور بختیار رهبر نهضت مقاومت ملی (۲۶ ساله) و منشی وی مرش کتبه (۳۴ ساله) در روز ۱۵ مرداد (۶ اوت) توسط سه تروریست کشته شدند.

این دو قتل در محل سکونت بختیار در شهر "سورن" در نزدیکی پاریس که شدیداً توسط نیروهای امنیتی حفاظت میشد، صورت گرفت.

اجساد این دو تن ساعت ۱۱ صبح روز پنجشنبه ۸ اوت یعنی حدود ۴۰ ساعت پس از قتل کشف شد.

توطئه ترور بختیار با همکاری یکی از اعضای برجسته نهضت مقاومت ملی بنام فریدون بویر احمدی (۲۸ ساله) و دو تن از تروریست های اعزامی رژیم جمهوری اسلامی به اسامی "رادعلی وکیلی" یا "علیراد وکیلی" (۳۲ ساله) و "محمد آزادی" (۳۰ ساله) که احتمالاً اسامی واقعی دیگری دارند صورت گرفته است. بویر احمدی از ۷ سال پیش در تشکیلات نهضت مقاومت ملی عضویت داشته است. وی شاخه عشایر گروه فوق را تشکیل داده بود و آخرین سمت وی عضو علی البدل شورای اجرایی نهضت مقاومت ملی بوده است.

بعد از کشف دو جسد، وزارت کشور فرانسه نام قاتلان را فاش ساخت و عکس آنها را در اختیار مطبوعات قرار داد.

بنا به نوشته روزنامه فیکارو و همچنین اظهار نظر کارشناسان،

### برگزاری جلسه اطلاعاتی در مورد وضعیت کارگران ایران

متن با استقبال حاضرین به ویژه رفقای آلمانی رو به رو شد. در ادامه یکی از رفقای آلمانی در مورد رابطه اقتصادی امپریالیسم آلمان با جمهوری اسلامی صحبت نمود. در پایان حاضرین به بحث و گفتگو در زمینه شرایط کارگران ایران، راههای مشخص پشتیبانی از خواستهای کارگران ایران توسط کارگران و نیروهای چپ آلمانی و همچنین شیوههای همکاری مشترک بین رفقای آلمانی و ایرانی پرداختند. قرار است جلسه آینده در روز ۱۲ سپتامبر، ساعت ۷ بعدازظهر در محل فرای سایت هایم اشتوکن برگزار گردد. در این جلسه به طور مشخص در مورد زمینها و شیوههای همکاری ایرانیان و آلمانیها حول منافع مشترک کارگران آلمان و ایران صحبت خواهد شد.

در تاریخ ۳۰ اوت یک جلسه اطلاعاتی در مورد زندگی و مبارزه کارگران ایران و با شرکت ۱۸ تن از آلمانیها و ایرانیها برگزار شد. این جلسه به دعوت تشکیلی به نام

"Initiative gegen Großmachtkurs"

و در محل فرای سایت هایم لیندن در هانوفر برگزار شد.

در این جلسه ابتدا یکی از حاضرین توضیحاتی در مورد وضعیت سیاسی عمومی در ایران ارائه داد. سپس رفیق دیگری به طور مشخصی در مورد وضعیت زندگی و سطح معیشت کارگران، وضعیت کارگران زن و کار کودکان، نقش کارگران در سرنگونی رژیم شاه، شوراها و تشکلهای کارگری شکل گرفته پس از انقلاب ۵۷ و ۰۰۰ متنی را قرائت کرد. این

بقیه از صفحه ۱

## سخنرانی رفیق خسرو شاهی در هانوفر

کارگران نفت جنوب .

پس از ایجاد سندیکاهای خوزستان، در تهران و تبریز نیز سندیکای بخش رانندگان تأسیس شد.

تر پالایشگاه تهران هم کارگران خس می‌زنند که یک نماینده می‌باشد به تنهایی همه مسائل را پیش ببرد و به ضرورت ایجاد سندیکا پی برده بودند و به این ترتیب در پالایشگاه تهران نیز سندیکا بوجود آمد و با پیوستن چندی سندیکا، اتحادیه کارگران نفت شمال ایجاد شد.

مسئله عمدی که در مورد این تشکلهای می‌توان مطرح کرد این است که حرکت‌های آن تئوره را اتحادیهها و سندیکاها به پیش نمی‌زنند بلکه این نهادها شکل طاهری قشیه بودند. در صنعت نفت قشری از کارگران که مورد اعتماد دیگران بودند حرکتها را به پیش می‌بردند، نه اتحادیهها و

سندیکا. اگر چه فشار کارگران باعث حرکت اتحادیهها میشد اما درمقاطععی که اتحادیهها نمی‌خواستند حرکتی به وجود بیاید به سادگی از کنار آن - حرکتها می‌گذشتند و این خود کارگران بودند که دست به اعتصاب می‌زدند. در رأس اتحادیهها و سندیکاهای آن زمان اکثراً کسانی بودند که یا با ساواک همکاری میکردند یا حقوق بگیر آن بودند و وظیفهشان جلوگیری از حرکت کارگران بود نه ایجاد آن.

پس از تأسیس حزب رستاخیز سازمانی به نام "سازمان کارگران" به عنوان زائده حزب رستاخیز تأسیس شد. اولین بار این سازمان در تهران بوسیله سناتور بلوری و چند وزیر دیگر بوجود آمد. سازمان کارگران از مقطع تأسیس تا دوران انقلاب محلی بود برای جمع شدن نمایندگان کارگران و دور کردن آنها از محل کارشان-نماینده را از کارگاه دور میکردند. و اجازه نمی‌دادند به مسائل کارگران بپردازند. در آنجا رقابتها و جبهه‌بندی‌هایی بین کارگران ایجاد می‌کردند. انتخاباتی برای کارگران صورت می‌گرفت. (از میان کارگران انتخاب شده) هر کس در رابطه با دولت بیشتر فعالیت میکرد به مجلس راه می‌یافت، هر کس کمتر، به کنفرانس بین المللی کار یا شورای عالی کار یا بازرسی بیمه‌های اجتماعی یا شورای حل اختلاف کارگر و کار فرما وارد میشد.

این سازمان زیر نظر دولت عمل میکرد و مجری سیاستهای دولت در - کارخانجات مختلف بود. در اصل خود دولت برای جلوگیری از حرکت کارگری این سازمان را از بالا بوجود آورده بود و با توجه به حساسیتی که نسبت به صنعت نفت داشت، در رأس آن سازمان، دبیران سابق اتحادیه نفت را گذاشته بود. که می‌توان در جنوب از آقای الهی، در اصفهان ایرانیور، در کرمانشاه ادبی، در تبریز صانعی، در تهران سرب و غیره نام برد.

تا زمان انقلاب وضعیت تشکلهای کارگری به این شکل بود. از طرفی

خود را ارائه داد. در قسمت پایانی جلسه نیز وی به پرسشهای مطرح شده از جانب حاضرین پاسخ داد.

ما با توجه به اهمیت موضوع، بخشهایی از سخنرانی بدالله خسرو شاهی را برای انتشار آماده کرده‌ایم که در چند شماره نشریه پیش از نظرستان خواهد گذشت.

سخنران در ابتدا به تشکلهای و مبارزات کارگری در دوره‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ اشاره کرد و در پایان این قسمت از صحبتش چنین نتیجه گرفت:

"اگر بخواهیم به طور کلی علل شکست در دوره دوم را بررسی کنیم، می‌بینیم یکی از ضعفهای عمده این است که اتحادیهها تابع نظرات و حرکت حزب توده بودند. حزب از اتحادیهها بوجود نیامده بود بلکه قضیه بر عکس بود. اتحادیهها در مسیر حرکت حزب پیش می‌رفتند. نکته دیگر اینکه هیچ نوع تشکل مستقل کارگری که مشخصاً به دست خود کارگران اداره شود وجود نداشت و خط و مرز مشخصی بین جنبش اتحادیه‌ای و احزاب سیاسی وجود نداشت." وی سپس صحبت‌هایش را چنین ادامه داد:

"... بعد از ۲۸ مرداد و کودتای سیاه، اکثر قریب به اتفاق کارگران در جنوب را تبعید می‌کنند و جلوی هر گونه حرکت کارگری را می‌گیرند. از ۱۳۲۸ تا حدود ۴۱-۱۳۲۰ که رفرم ارضی بوجود می‌آید جنبش کارگری به یک رکود نسبی دچار میشود. البته در آن زمان اتحادیه های اصناف حرکت خودشان را داشتند و سندیکای اصناف وجود داشت، ولی در صنایع با توجه به عمده بودن صنایع نفت و راه آهن- دولت در تمام مقاطع جلوی حرکتها را می‌گیرد.

پس از رفرم ارضی است که می‌بینیم دوباره آرام آرام در صنایع مختلف جنبش انتخاب نماینده کارگران بوجود می‌آید. در جوار همین حرکتها از سال ۴۱ در صنعت نفت کارگران شروع به انتخاب نماینده می‌کنند. در آن مقطع جریان از این قرار بود که کارگاههای مختلف نمایندگانی را انتخاب میکردند و مجمع نمایندگان عامل پیش برنده خواست کارگران بود. یعنی باز اجازه نمی‌دادند سندیکا و اتحادیه‌ای بوجود بیاید.

در سال ۱۳۴۳ اولین نشست پیمانهای دستجمعی کارکنان نفت برگزار گردید. در همان سال مجمع نمایندگان برای اضاى قرار داد به تهران آمدند که پس از بازگشت زرمه ایجاد سندیکا در صنعت نفت شنیده میشد.

در آن زمان چون کارگران نوبت کار نمی‌توانستند همدیگر را ببینند، همان تعداد کارگرانی که انتخاب کرده بودند به عنوان نماینده سندیکا به وزارت کار معرفی کردند. وزارت کار ابتدا مخالفت کرد ولی بعداً به علت فشار کارگران، اولین سندیکای کارگران نوبت کار تأسیس شد. این امر به سرعت به دیگر مناطق نفت خیز سرایت کرد و کارگران مناطق دیگر نیز چنین سندیکاهایی بوجود آوردند و این نقطه انگیزی شد برای ایجاد سندیکای



## سخنرانی رفیق خسرو شاهی در هانوفر

بوت میخواست يك شکل ظاهری را از نظر وجهه بین‌المللی حفظ کند و از طرف دیگر افسار حرکت کارگری در دست دولت باشد. ولی ما بهینم اعتصابات بسیار زیادی در آن زمان در صنایع نفت، پارچه بافی و آب و برق صورت گرفت و علیرغم وجود سندیکاها و اتحادیه‌های زرد کارگران حرکت خودشان را داشتند و از کار آنها می‌گذشتند.

نکه قابل یادآوری اینکه در صنعت نفت چند سندیکا بعد از سال ۵۵ تجدید انتخابات کردند. کارگران به وزارت کار فشار آوردند و نمایندگانی انتخاب کردند که تا مقطع انقلاب مورد تأییدشان بود. همین نمایندگان که در بخشهایی از صنعت نفت نماینده سندیکا شدند، بعداً "وارد سندیکا های سراسری صنایع نفت و سپس شورای سراسری نفت شدند."

در مرحله انقلاب، کارگران با نفی تشکلهای موجود دولتی، سندیکای سراسری کارگران نفت را بوجود آورده و يك نشریه به همین اسم منتشر ساختند. این سندیکا تا پیروزی انقلاب وجود داشت. ابتدا یکسری کارگران به طور غلی در کارگاهها فعالیت میکردند و رهبری کننده اعتصاب بودند که بعد از بستگري تعداد وسیعی از آنها ناچار مبارزه، شکل مخفی به خود گرفت. ابتدا اتحادیه‌های خوزستان و شمال از یکدیگر جدا بودند اما با پیوستن این دو اتحادیه يك کمیته مخفی ۱۴ نفره از نمایندگان مورد تأیید کارگران شکل گرفت که اعتصابات را رهبری میکرد.

اعتصابات کارکنان نفت خوزستان در انقلاب ایران را میتوان به دو دوره تقسیم کرد:

در دوره اول که کارگران به تنهایی دست به اعتصاب زدند و کارمندان در آن اعتصاب شرکت نکردند و این مسئله باعث گردید که اعتصاب بیش از يك هفته دوام نیاورد.

در دوره دوم؛ کارگران با رفع نقیصه مذکور دست به یکسری حرکات اعتراضی می‌زدند که کارمندان را به اعتصاب می‌کشاند اما با وجود پیوستن کارمندان به اعتصاب، بخاطر عدم ارتباط با جنبش سراسری مردم، اعتصاب دوباره با شکست رو به رو میشود.

بعد از این حرکت، یکسری دیگر از کارگران انتخاب میشوند و تعداد اعضای کمیته اعتصاب به ۲۴ نفر میرسد. این ۲۴ نفر حرکتهای گذشته را بررسی میکند و نقایبی را بیرون میکشند. کمیته يك نشریه سراسری به نام خبر نامه منتشر میکند و عدهای را مسئول ارتباط گیری با روحانیت دانشجویان، بازار، کارخانجات دیگر از قبیل آب منطقه‌ای خوزستان و رادیو تلویزیون تهران میکند و بدین ترتیب ارتباط تنگاتنگی با جنبش مردم بوجود می‌آورد و تا مقطع پیروزی انقلاب، اعتصاب با موفقیت ادامه

می‌یابد.

یکی از مسائل عمده این دوره مواجه شدن کارگران اعتصابی با مشکل مالی است که ابتدا دست کتک به سوی مردم دراز کردیم. دانشگاهیان توانستند حدود يك میلیون تومان برای ما پول جمع کنند ولی این پول حتمی جوابگوی نیازهای کارگران بخش پمپ بنزین هم نبود. ناچار شدیم با روحانیت و بازار تماسی حاصل کنیم. یکی از مسئولین بازار در کمیته مخفی شرکت میکرد. بعد از آن مسئله مالی ما حل شد و سیل کتک به طرف ما سرازیر شد. پس از آن بود که آرام آرام کارکنان نفت می‌گویند ما از زیر درخت سیب دستور می‌گیریم. تا آن مقطع کارگران نمی‌خواستند از "اماسی" اطاعت کنند اما خود مسئله مالی باعث شد که به شکلی زیر چتر روحانیت و بازار قرار گیرند. زیرا مسئله مالی عمده بود و امکان شکست مجدد اعتصاب وجود داشت.

پیوند با جنبش مردم ضمن اینکه محسناتی در برداشت با خودش اشکالاتی را به همراه می‌آورد. عدم آگاهی و دید طبقاتی باعث گردید جنبش کارکنان نفت در راستای خواست روحانیت به پیش برود. برای نمونه زمانی که بازرگان از طرف خمینی برای راه اندازی تولید داخلی به خوزستان آمد، کمیته اعتصاب اعلام کرد که ما وی را به رسمیت نمی‌شناسیم و امام باید دستور بدهد. خمینی نامه رسمی نوشت و پس از آن نفت داخلی به راه افتاد.

کارگران نفت به خاطر نداشتن دید طبقاتی فکر می‌کردند که جنبش متعلق به خودشان است. آنها چنین می‌پنداشتند که به خواسته‌هایشان می‌رسند. حتی بعد از انقلاب که کارگران شورا را در دست گرفتند و خواسته‌های مشخصی و معینی داشتند، باز هم فکر می‌کردند از طریق خمینی به خواسته‌هایشان می‌رسند. کارگران فکر نمی‌کردند که جنبش‌شان توسط روحانیت سرکوب میشود.

بعد از پیروزی انقلاب اکثریت قریب به اتفاق کارگرانی که عضو هستمهای سندیکای سراسری نفت بودند وارد شورای سراسری نفت شدند. ابتدا شوراها را در سراسر کارخانهها در قسمتهای مختلف تشکیل دادند. در هر تأسیساتی، از افرادی که از طریق قسمتهای مختلف معرفی میشوند، يك شورا تشکیل میشد. مثلاً "پخش تهران از جایگاههای مختلف تشکیل شده بود. جایگاه نازی آباد، انبار نفت ری، سوخت گیری مهرآباد و ...". از این پنج - شش قسمت، چند نفر فرستاده میشدند و شورای سراسری پخش تهران شکل میگرفت. در شهرهای دیگر هم وضعیت به همین شکل بود.

از پیوستن این شوراها به هم و انتخابات درون آنها، از هر شهری

## سخنرانی رفیق خسرو شاهی در هانوفر

حداقل برای کارگران. من اعتراض کردم و گفتم که "حداقل" چیست؟ دست بردارید! شاه میگفت حداقل، شما هم که میگویید حداقل پس چه وقت برنامه حداقلی؟ ما برداشتمانی این بود که دیگر کسی نخواهد برای ما حداقل تعیین کند و ما باید خودمان سرنوشت خویش را به دست بگیریم. اما نمی‌دانستیم که به تنهایی نمی‌توانیم ببریم. نمی‌دانستیم که باید با بقیه کارگران پیوند داشته باشیم. نمی‌دانستیم که احتیاج به یک تشکیلات سراسری در سراسر ایران داریم. هنوز به این درک نرسیده بودیم.

ما به هیچ عنوان به فکر یک تشکل سراسری کارگری نبودیم. ما می‌بینیم که شوراهای صنعت نفت آخرین تشکلی است که دولت به آن ضربه میزند. بعد از خرداد ۶۰ اکثر قریب به اتفاق شوراهای بر چیده میشوند و اکثر قریب به اتفاق کارگران مبارز دستگیر میشوند. ولی شورای نفت آخر از همه و در اواخر سال ۶۰ برجیده میشود. حتی زمانی که انفجارها صورت میگیرد و رجاوی و باهنر هم کشته میشوند باز شوراهای نفت وجود دارند و دولت نمیتواند دست به آنها بزند. اما زمانی که شوراهای نفت تنها شدند. دولت خیلی راحت همه را دستگیر می‌کند و هیچ تشکلی را به رسمیت نمی‌شناسد.

علیرغم وجود تشکل در صنعت نفت سوال این است که چگونه حرکتی بوجود می‌آید و سازماندهی میشود؟ در این مورد میشود گفت تعداد مشخصی از کارگران در هر قسمت از صنعت نفت مورد تأیید دیگران هستند. کسانی که سالیان سال امتحان خود را به خوبی پس داده‌اند و کارگران نظر مثبتی نسبت به آنها دارند. اینها سازمانده اصلی حرکت در صنعت نفت هستند و نظرشان مورد قبول دیگران است.

در مقطع جنگ با توجه به فروپاشی تأسیسات نفت در خوزستان، کلیه کارگران به شهرهای مختلف ( شیراز، اصفهان، تبریز، تهران، کرمانشاه و ... ) مهاجرت کردند. در این مقطع به علت وجود نیروی انسانی زیاد در صنعت نفت دولت لایحهای به مجلس ارائه میدهد که در آن به کارگران تا ده سال تخفیف بازنشستگی می‌دهند و عده‌ای بازنشسته میشوند. در آن زمان هر حرکتی با اخراج مواجه میشود. در کارگاهی که قبلاً ۵۰ نفر بودند می‌بینیم آن موقع ۵۰۰ نفر بودند. یعنی نیروی کار بیش از حد مورد نیاز بود.

اما بعد از پایان جنگ و زمینه بازسازی نفت جنوب، کارگران ۲۰ روز در محل کارشان در جنوب حاضر میشوند و ۲۰ روز در محل کار قبلی شان (در شهری که به آن مهاجرت کرده بودند) این کارگران میتوانند رابط‌هایی باشند برای سازماندهی کارگران نفت و همینها بودند که اعصاب اخیر صنعت نفت را سازمان دادند و با موفقیت تمام کردند.

پنج نفر انتخاب میشد و شهرهای مختلف با همدیگر شورای سراسری را بوجود می‌آوردند که ماهی یک بار در یکی از شهرها نشست سراسری داشتند. از مقطع پیروزی انقلاب تا سرکوب شوراهای در اواخر سال ۶۰ می‌بینیم کارگران نفت خواسته‌های بسیار دمکراتیکی طرح می‌کردند از جمله داشتن نماینده در شورای انقلاب، داشتن نماینده در مجلس خبرگمان و تعیین وزیر نفت. شوراهای حتی نزیه را قبول نداشتند. بازرگان و - خینی باعث شدند که کارگران وی را بپذیرند. آنها استدلال میکردند که چون بازرگان منتخب امام است و نزیه منتخب بازرگان، پس نزیه منتخب امام است. ناچار شوراهای نزیه را پذیرفتند اما بعداً فشار کارگران باعث گردید فردی که مورد تأیید شوراهاست بپذیرند.

یکی از نقیصه‌های اصلی کارگران نفت عدم ارتباط با دیگر کارگران بود. برای رفع این نقیصه ما و تعداد دیگری از بچه‌ها که حول سازمان فدایی جمع شده بودیم، یک نمودار کشیدیم. طبق این نمودار تهران به چهار منطقه شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم میشد و برای هر منطقه خانه کارگر و شورا درست میشد و از به هم پیوستن این شوراهای، شورای سراسری کارگران نفت تهران بوجود می‌آمد. ما معتقد بودیم در مراکز استانها از جمله در شیراز، اصفهان و تبریز میتوان چنین شوراهایی را سازمان داد. ما این طرح را دنبال نکردیم و تنها به سازمان فدایی پیشنهاد آن را دادیم. سازمان فدایی هم آن چنان تبحری در مسائل کارگری نداشت که بخواهد در آن مقطع سرعت این طرح را به مرحله اجرا بگذارد.

بزرگترین نقیصه پیشروان نفت خود محور بینی آنها بود. بعضی از کارگران می‌گفتند برویم مثلاً" با شورای کارگران برق تهران یا راه آهن تماس بگیریم. ما می‌گفتیم آنها بیایند و با ما رابطه برقرار کنند چرا ما برویم و با آنها رابطه برقرار کنیم؟ ما به این درک نرسیده بودیم که کارگر نفت به تنهایی نمیتواند انقلاب کند و خواسته‌هایش را بدون کمک دیگر کارگران به پیش ببرد. او نمیتواند به تنهایی انقلاب را تثبیت کند. به هر حال در یک مقطع به راحتی سرکوب میشود. اگر دید روشنی راجع به این مسائل داشتیم، خیلی راحت میتوانستیم شورای سراسری را به وجود بیاوریم. چون اکثر کارخانجات شورا نداشتند و خود شوراهای اداره - کنگان کارخانجات بودند و کارگران اکثر کارخانها مثل کارگران نفت فکر می‌کردند که خودشان اداره کننده امور خودشان هستند. برای نمونه در دانشگاه تهران جلسهای گذاشته بودند. در همان موقع در تهران جلسه ماهانه شوراهای سراسری نفت بود و همزمان رفتیم در جلسه دانشگاه تهران شرکت کردیم. تعداد زیادی آمده بودند. یک نفر داشت برنامه سازمان فدایی در رابطه با کارگران را توضیح میداد. رسید به برنامه

## گلوله در شقيه زندانيان سياسي

اين خيل مهظيم گروهانهاي اسير در  
چنگال رژيم حاكم بر ايران !

" نشان زمره نيمشب مستان باد

تا نگويند كه از ياد فراموشانند"

كه در برابر رژيمي كه پرچمدار مرگ و تجسم نكبت و تباهي است، رژيمي كه وجودش مترادف با توهين به مقام انساني و به معنای نابودي شانماني و تحول است، ايستادند. آتاني كه در راه مبارزه با ديكتاتوري و جهل به خاكشان افكندند.

سرنگوني و در هم شكستن كل بساط حاكميت اين جنابتگاران، بدست گرفتن قدرت توسط توده عظيم استعمار شنگان و محاكمه عاملان و مسببان همه جنايات رژيم خواسته هر انسان شريف و آزادهاي است كه درد و - رنج و اندوه مردم تحت ستم، درد و رنج خود او نيز هست.

گرامي باد ياد همه جان باختگان آزادي و سوسياليسم

□

جنابيت و وحشيكري، امواج بازداشتهاي وسيع، شكجه، ترور و انعام شيوه هميشگي و تا كوني رژيم جمهوري اسلامي بوده است. اما در قاطبي اين توحش و بربريت ابعاد وسيع و دستجمعي اي به خودگرفته است و به صورت سراسري ميليونها نفر از مردم مصيبت ديده را عيقا" به ماتم و اندوه نشانده است.

كشورهاي سالهاي ۶۰ و ۶۱ و كشورهاي مرداد و شهريور ماه سال ۶۷ در نمونه از اين مقاطعند. رژيم در اين مقاطع حتي عرف و قوانين خود ساخته و ارتجاعيش را هم بزيرو پا افكند و در تلاش براي موعوب ساختن و به تمكين واداشتن مردم تحت ستم ايران و برپا نگاهداشتن حاكميت سياه و خونيناش، عامدانه كوشيد تا خود را تمام عيار در هيببت يلك جلاذ خوريز، وحشي و شمير از رو بسته به همه مردم بشناساند.

ابعاد جنابيت و وحشيكري رژيم در اين مقاطع بحدی بود كه حتى سايل ارتباط جمعي و نهادهاي بين المللي كه معمولاً از پرداختن به اعمال ضد بشري رژيم اسلامي اكراه دارند، در مقابل كوهي از اجساد توبهاران شدها و تداوم اعدماهاي دستجمعي زندانيان، مجبور شدند كه گوشاي از اين جنابيات را منعكس سازند.

مرداد و شهريور امسال سومين سالگرد قتل عام گسترده رژيم بعد از - پذيرش آتش بس است. جمهوري اسلامي در اين زمان، جمعيت وسيعي از زندانيان هر بند و هر زندان را بطور دستجمعي در مقابل جوخههاي انعام قرار داد. اجساد انعام شدها را بطور دستجمعي و زير لاييه نازكي از خاك مدفون ساخت، در برخي از زندانها تمامی زندانيان سياسي را در مقابل جوخه آتش قرار داد و در جاي ديگر عداي از زندانيان را صرفاً" به جرم آنكه در برابر اين همه جنابيت به اعتصاب غذا متوسل شده بودند، به گلوله بست.

در مورد رقم كلي اعدما در اين زمان اخبار متفاوتي انعكاس يافت. بعضي صحبت از ۵ هزار و بعضي از ۱۰ هزار كردند و حتي خبرنگاري رقم اعدما شنگان را بيش از ۲۰ هزار تن گزارش نمود.

نمهايستي اجازه داد، اين وقايع دردناك و ظرفيت ضد انساني رژيم جمهوري اسلامي به فراموشي سپرده شود و يا پرده پوشي كردد.

براستي، هولناكتر از اين امر چيست كه كساني به فراموشي سپرده شوند

## پوشش

نشره كمنه همبكنى با مبارزات مردم ايران

آدرس:

Solidaritätsverein

mit iranischen völkern

Postfach 5311

3000 Hannover 1

W-Germany

بها اشتراك:

المان

يكساله ۳۰ مارك

ششماهه ۱۵ مارك

ديگر كشورها

يكساله ۳۲ مارك

ششماهه ۱۶ مارك

تمام قيمتها با محاسبه هزينه پستي است.

تك فروشي: ۲ مارك

## بر نطع خون خویش (۱)

زندانیان اوین !

- می‌خواهم از شما سخن بگویم
- قلبم بسان چارنعل گرمای،
- = جدای فائده از گله -
- بی‌تاب می‌طپد
- باید پی کدام کلام بجویم ؟

شاید، باید

- از سینه سوخته‌ام ساز بتراشم
- شاید، باید
- از جانم نغمه و آواز برآرم
- شاید،
- باید کلامی شوم
- - تمام تن،

تمام جان -

- باید که خویش کلامی شوم
- یر خروشر از طوفان
- رویاگونه،
- چون پروانگان خنده‌ای
- کد کودککان
- از معجون‌بی ناشناخته می‌سازند،
- و در آسمان پرواز می‌دهند
- باید کلامی شوم،
- به سختی آهن،
- به نرمی حریر
- کلامی خلاصه،
- چنان که شمائید:

- برنطع خون خویش بنشستگان

باچشمیند مدام،

در دخمه‌های جنون !

صبور،

چشم در راه سپیده‌ای بسته

که شاید،

شاید،

- پس از شما طلوع خواهد کرد ! -

کدام کلام ؟

به دنبال کدام کلام بگردم ؟

اگر ساز بودم،

اگر سازی بودم،

آسمان را

در هرای درد سرشته خویش

• می‌گریستم

- قلبم چه بی‌قرار و چه بی‌تاب می‌طپد
- باید پی کدام کلام بگردم ؟

• می‌خواهم از شما سخن بگویم

اگر اشک بودم

• دریا می‌شدم

اگر آه بودم

طوفان می‌شدم،

غریبی می‌ساختم،

می‌توفیدم،

• غوغا می‌کردم

کاش آنرخش خردی بودم !

اگر آنرخشی بودم،

• به جان تمام هیمة های جهان می‌افتادم

اما کدام کلام،

به دنبال کدام کلام بگردم ؟

• می‌خواهم از شما سخن بگویم،

گمگشتگان به دلخونی،

در دخمه‌های جنون !

• خاموش برنشستگان برنطع خون خویش !

قاصدکان فرورفته،

• درکام گردباد تیره جهل و جنون و کین !

زندانیان بند سه هزار !

• زندانیان عادل‌آباد، دیزل‌آباد، قزل‌حصار !

• ستارگان اسیر در بندهای خاکستر !

## نظم نوین امپریالیسم و زندگی فلاکتبار فلسطینیهای مقیم کویت

حدود يك سال پیش در تاریخ دوم اوت ۹۰ نیروهای نظامی عراق کویت را اشغال کردند. این واقعه سرآغازی شد برای بحران خلیج فارس، تحریم اقتصادی عراق و سرانجام جنگ ویرانگر متعاقب آن. پناه نیروهای چند ملیتی به رهبری آمریکا برای مداخله سیاسی و نظامی در منطقه، آزادسازی کویت، تقویت دموکراسی در منطقه و پیروزی نظامی نوین بود.

اینک پس از گذشت يك سال، قضاوت درباره "نظم نوین" مورد نظر امپریالیستها چندان دشوار نیست:

- رقم انسانی که در يك سال گذشته در اثر بحران خلیج فارس و جنگ متعاقب آن جان خود را از دست دادهاند، موی بر تن هر فرد شرافتمندی راست میکند. يك خبرنگار آلمانی به نام توماس موزر در مقاله تحقیقی خود ضمن مقایسه منابع مختلف، نتیجه میگیرد که از دوم اوت ۹۰ تا ژوئیه ۱۹۹۱ بیش از يك میلیون انسان جان خود را در نتیجه حوادث مربوط به بحران خلیج (اشغال کویت، جنگ نیروهای چند ملیتی با عراق و بمباران شهرهای این کشور، جنگ داخلی در جنوب عراق و کشتار کردها در شمال و ۰۰۰) از دست دادهاند. "اتحادیه جهانی پزشکان بر علیه جنگ اتمی" پیش بینی میکند که تا پایان امسال، حداقل ۱۷۰ هزار کودک عراقی در اثر کمبود دارو و از هم گسیختگی شبکه آب و برق در عراق تلف خواهند شد. (۱)

- در عراق صدام حسین، دیکتاتور خونخوار، همچنان حکومت میکند و انتقام شکست خفت بارش در مقابل نیروهای چند ملیتی را از مردم دردمند عراق میگیرد.

- در کویت خاندان آل صباح دوباره قدرت را به دست گرفتند، خفقان و سرکوب، سانسور مطبوعات و نقی آزادیهای ابتدایی انسانی و شکجه و زندانی نمودن مخالفین چنان ابعاد گستردهای یافته که اینجا و آنجا صدای مطبوعات غرب و سازمانهای بین المللی نیز در آمده است. بر خلاف وعدههای بروئین غرب هیچ خبری از دموکراسی در کویت نیست.

- مسئله کردهای عراق به مسئله اسکان آوارها و ککهای خیریه آمریکا و متحدینش تقلیل پیدا کرده و حق تعیین آزادانه سرنوشت توسط ملت کرد به دست فراموشی سپرده شده است.

- دولت ترکیه با استفاده از فرصت بدست آمده تعرض جدیدی را نسبت به کردهای این کشور آغاز کرد که همچنان ادامه دارد و بویژه در چند ماه اخیر دامنه گستردهای یافته است.

- آمریکا و متحدینش فرصتی یافتند تا از جمهوری اسلامی اعاده حیثیت نمایند و رژیم وحشی و بربر سرمایه داری در ایران نیز متقابلاً به سوی

غرب گام برداشته و تا حدود زیادی از انزوای سیاسی در آمده است. - در غرب اکثریت قریب به اتفاق رسانههای گروهی پشت دولتهای خود به صف شدند و با تحریف و جعل واقعیات به حمایت از جنگ در خلیج فارس، کشتار مردم بی دفاع عراق و پشتیبانی از "نظم نوین" پرداختند. عملکرد این جماعت که نقش تعیین کنندهای در شکل دادن به افکار عمومی داشتند، به راستی ننگی بود برای "دنیاى متعدي" و - "دمکراتیک" غرب.

- جنبش ضد جنگ، علیرغم وسعت و گستردگیاش عقیم ماند و گرایشات جنگ طلب و ناسیونالیستی به طور قابل ملاحظه ای پروبال گرفتند. - امپریالیسم آمریکا فرصت یافت تا خاطره شکست سنگین خود در ویتنام را تا اندازهای از ذهن بخشی از ارتش و مردم آمریکا پاک کند، اروپا و ژاپن را بار دیگر تحت رهبری بلامنارخ خویش در آورد و نقش خود به عنوان ژاندارم جهان را با قلدری و توحش هر چه تمامتر به همگان گوشزد نماید.

یکی از عواقب بحران خلیج فارس نیز وضعیت فلاکت بار کنونی فلسطینیها در کویت است.

تا قبل از اشغال کویت، ۴۰۰ هزار فلسطینی در این کشور زندگی میکردند. این رقم در حال حاضر تنها به ۱۷۰ هزار تن میرسد. (۲) به عبارت دیگر بیش از نیمی از کل فلسطینیهای مقیم کویت، در یکسال گذشته ناچار به ترك خانه و زندگی خود شده و آواره گردیدهاند. آن عده ای هم که باقی ماندهاند تحت پیگرد و شکجه و آزار دائمی نیروهای سرکوب کویت قرار دارند. روزنامه دی تاگس تسایونگ (تاتس) مورخ ۱۳ ژوئن ۹۱ قسمتهایی از گزارش طیب عبدالرحیم، سفیر فلسطینی در اردن درباره ادبیت و آزار فلسطینیها را درج نموده است. در این گزارش روشهای شکجه فلسطینیها توسط رژیم کویت توضیح داده شده است. طبق گزارش منکور، مأموران کویتی بر بدن فلسطینیها آتش سیگار میگذارند، بسا قیچی گوشت آنها را میسکافند یا تکههایی از لب، بینی و گوششان را میبرند. همچنین در گزارش مواردی نام برده شده که استخوان جمجمه، استخوان دست، بازو و ران جوانان فلسطینی با مته سوراخ گردیده است. و یا زندانیان فلسطینی را در صندوق اتومبیل محبوس نموده و اتومبیل را در زیر آفتاب سوزان پارک کردهاند. همچنین چندین بار با خنجر فلسطینیهای مجروح بر روی دیوارها شعارهای ضد فلسطینی نوشتند. ۰۰۰

\*\*\*

## نظم نوین امپریالیسم ...

منتخب زیر از نشریات عربی که رفیق باران زحمت گردآوری و ترجمه آنرا کشیده است نیز گوشه‌هایی از زندگی دهشتناک فلسطینیهای مقیم کویت را منعکس می‌کند.

"در تاریخ ۹۱/۶/۲۶ دادگاه فوق العاده کویت، ۲۷ فلسطینی را که به جرم همکاری با رژیم عراق دستگیر شده بودند تبرئه کرد، اما وزیر دادگستری کویت با این بهانه که این افراد اگر چه مرتکب جرمی نشده‌اند ولی پتانسیل لازم برای ارتکاب جرم را دارا می‌باشند اعلام کرد که " اینها خطرناک هستند و بایستی فوراً کویت را ترک کنند. در غیر اینصورت ما آنها را اخراج خواهیم کرد."

به نقل از: مجله فلسطین نورم - ارگان هفتگی سازمان آزادیبخش فلسطین - ۹۱/۲/۹

"تیمهای ویژه غیر نظامی که آموزشهای لازم را دیدند، به بهانه‌های مختلف فلسطینیا را در کویت مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند، به قتل میرسانند شکنجه می‌کنند، در کمپها جمع می‌کنند، مانع ادامه تحصیل فلسطینیها می‌گردند، اموال آنها را غارت می‌کنند... این تیمها به طور غیر مستقیم توسط شیخ احمد الحامد الجابر الصباح، وزیر کشور کویت، هدایت می‌گردند."

به نقل از: مجله الاتحاد - چاپ ابوظبی - ۹۱/۲/۲

"دولت کویت از ۲۱ ماه مه تاکنون در داخل کشور، بیش از ۱۰ کمپ ایجاد کرده که افراد خارجی مورد سوظن حکومت را دستگیر و آنها را به کمپها روانه می‌کند. بیشتر تعداد افراد دستگیر شده داخل این کمپها را فلسطینیها و سپس اردنیها تشکیل می‌دهند... مجموع دستگیر شدگان که در این کمپها هستند بیش از ۱۳ هزار تن می‌باشد که بیش از یک سوم این تعداد را فلسطینیها تشکیل می‌دهند. همه روزه دهها فلسطینی در کویت مورد شکنجه قرار می‌گیرند. متداولترین شکنجهها عبارتند از: شوک الکتریکی، خورد کردن استخوانها، کشیدن ناخنها و آویزان کردن از پاهای آنها..."

به نقل از: گزارش ماه ژوئیه سازمان آزادیبخش فلسطین

"دبیرستان طلعتیه، بیمارستانهای نظامی، کاخ الککسین، بیمارستان غیر نظامی امیریه، اداره اطلاعات و امنیت کویت، کلانتری القادسیه، زندان العباد، زندان الاحداث و زندان زنان در کویت به مراکز شکنجه مبدل شده‌اند و همه روزه دهها انسان در این اماکن مورد شکنجه قرار می‌گیرند و بسیاری از آنها زیر شکنجه جان خود را از دست می‌دهند. به عنوان مثال دکتر نظمی خورشید پس از خورد شدن استخوان کتفش

در زیر شکنجه جان باخت. طبق برآوردهای تاکونوی، نزدیک به یک هزار نفر پس از بازپس‌گیری کویت، در این کشور در زیر شکنجه جان خود را از دست دادند."

به نقل از: گزارش اواخر ژوئن " انجمن دفاع از دموکراسی، آزادی و حقوق بشر در کشورهای عربی"

"یک کور دستجمعی دیگر در منطقه "الرقا"ی شهر کویت کشف شد. دهها جسد انسانی که از سوختگی قابل شناسایی نبودند در این کور جای نمانده شده بود. طبق اظهارات کارگران گورستان این بیستمین کور دستجمعی است که اخیراً کشف شده. هر یک از این قبرها بطور متوسط ۱۰ متر طول داشته و حاوی حداقل ۱۵ جسد بودند... در همان منطقه جسد ۴۰ کودک فلسطینی کشف شد که پس از اینکه مورد تجاوز قرار گرفته بودند به قتل رسیدند... در همان منطقه در نزدیکی قبرستان دو کور دستجمعی دیگر حاوی ۶۷ و ۴۲ جسد کشف شد... در یکی از منازل واقع در خیابان الفزالی اجساد یک خانواده پنج نفره فلسطینی کشف شد. در منزل دیگری از خیابان منکور اجساد یک زن و شوهر فلسطینی و یک مرد اردنی که پس از شکنجه کشته شده بودند، پیدا شد..."

به نقل از: مجله فلسطین نورم - ۹۱/۲/۹

"پس از شکست نظامی عراق در کویت، طبقات حاکم و امیران کویت با وحشیگری به فلسطینیها یورش آوردند. تعداد فلسطینیهایی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته یا دستگیر شده یا به قتل رسیدند به هزاران تن می‌رسد. براساس اطلاعات به دست آمده از صلیب سرخ در کویت تعداد فلسطینیهایی که تا اوایل ژوئیه در کویت ناپدید شدند بالغ بر ۲۴۰۰ تن می‌باشد. پنج ششم مدارس کویت به بازداشتگاه مبدل شدند. طبق دستور وزیر آموزش و پرورش کویت، تحصیل فلسطینیها و اردنیها در سال تحصیلی جاری در کویت ممنوع اعلام شده است."

به نقل از: مجله الهدف - ارگان جنبه خلق - ۹۱/۲/۳۰

"تعداد پزشکان، پرستاران، پرسنل درمانی و تکنیسینهای فلسطینی و اردنی که تاکنون در کویت دستگیر شده یا مورد شکنجه واقع گردیدند یا مفقود الاثر شدند بیش از یک صد تن می‌باشد."

بخشی از سخنرانی فاروق ملوکی دبیر اول انجمن دفاع از دموکراسی

آزادی و حقوق بشر در کشورهای عربی - ۹۱/۲/۲۷

□

## یادداشتها

۱- تاتس - ۹۱/۲/۲۶ - می ۱۹

۲- تاتس - ۹۱/۸/۲ - می ۲

جدول

راهنمای حل جدول

برای حل جدول باید کلیه کلمات دو تا ده حرفی زیر را یافته و حذف نمود. آنگاه از حروف باقیمانده رمز جدول را - که يك عبارت میباشد - بدست آورد.

حروف کلماتی که در پایین آمدهاند و بایستی حذف شوند، میتوانند به اشکال گوناگونی قرار گرفته باشند: از بالا-په پایین - پائین به بالا - راست به چپ - چپ به راست و نیز به صورت مورب.

برای مثال کلمه سه حرفی " آهن " در جدول مشخص شده است.

دو حرفی

شب - تب - رو - بر - سر - او - تو - ما - را

سه حرفی

نور - آهن - گند - تیر - خون - نان - اشک

چهار حرفی

نیما - شکست - رویا - غنچه - بهار - پروا

پنج حرفی

تعلیم - تربیت - رهائی - آزادی

شش حرفی

انقلاب - شوراها - بهاران - نیلوفر - قربانی

هفت حرفی

رحشتناک - همبستی - پناهنده

هشت حرفی

ترازنامه

نه حرفی

کارل مارکس - سلطانزاده

ده حرفی

کارگران نفت - السالوادور

ز	ه	د	ن	ه	ا	ن	پ	ت	ع	ل	ی	م
ا	ن	ت	ک	ا	ر	ل	م	ا	ر	ک	س	س
و	ا	د	ب	ن	ی	ل	و	ف	ر	ش	ب	ت
ر	ل	ا	ه	ق	ر	ب	ا	ن	ی	ا	و	ر
پ	س	ن	ش	ب	غ	ا	ز	ا	د	ی	ت	ب
ت	ا	ق	ب	و	ا	ن	ب	ه	ا	ر	و	ی
ر	ل	ل	ه	ر	ر	د	چ	ا	ش	ک	م	ت
ا	و	ا	ا	ه	ن	ا	ا	ه	ر	ن	ا	ا
ز	ا	ب	ر	ا	گ	ی	ه	ن	ا	ا	خ	ه
ن	د	ن	ا	ی	ن	س	م	ا	ق	ن	و	ن
ا	و	و	ن	ی	د	ر	ا	ب	ل	ن	ر	ر
م	ر	ر	ه	م	پ	س	ت	گ	ی	ر	ا	و
ه	و	ح	ش	ت	ن	ا	ک	ش	ک	س	ت	ب
ر	و	ی	ا	ه	د	ا	ز	ن	ا	ط	ل	س
ک	ا	ر	گ	ر	ا	ن	ن	ف	ت	ت	ی	ر

تظاهرات بر علیه اخراج پناهندگان در هامبورگ

در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۹۱، به دعوت کمیته اعتراضی به اخراج پناهندگان در هامبورگ تظاهراتی بر علیه اخراج پناهندگان صورت گرفت که در آن ۲۰۰ نفر شرکت کردند.

در پایان تظاهرات قطعنامه‌ای به زبانهای آلمانی و فارسی در محکومیت قوانین ضد خارجی و لغو آنها و همچنین در جهت توقف اخراجها قرائت شد. در این تظاهرات علاوه بر پناهندگان يك تشکل آلمانی به نام اسپار-تاکپستها نیز شرکت نموده و حمایت خود را از پناهندگان و مهاجرین اعلام نموده بود.

تسلیت

با کمال اندوه و تأثر به اطلاع می‌رسانیم که رفیق موسی حسینی یکی از پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم هانوفر در تاریخ ۴ اوت ۹۱ بر اثر بیماری قلبی در بیمارستان در گذشت. ما این غم را به همه وابستگان و رفقاییش عمیقاً تسلیت می‌گوئیم.

یادش گرامی باد

## نکته‌هایی از امثال و حکم علامه دهخدا

مجاهد روز شنبه

"این شنبه ۲۷ رجب ۱۳۲۷ هجری قمری مطابق ۲۲ اسد (۲۳ مرداد) ۱۳۸۸ شمسی و ۱۴ اوت ۱۹۰۹ مسیحی است که يك روز پیش از آن یعنی جمعه ۲۶ رجب طهران بدست آزادیخواهان فتح شد و فردای فتح چسی غوغا گونه که نه صاحب جرات و نه دارای عقیدتی جزم بودند، مسلح شدند و به امید غارت به آزادی طلبان پیوستند." (کتابیه از فرصت طلبی است.)

مجنب که گنجی

گویند پادشاهی، بوالهوسی را فرمان کرد تا هر صاحب عیبی را درمی (۱) تاوان کند.  
یکی از عنوانان (مامور اجرا) شهنه مردی اعور (کسی که يك چشم نابینا شده باشد) دید و گفت: درمی بیایدت داد.  
مرد گفت: چه چه، چرا دهم.  
گفت: دو درم نه که الکن نیز باشی و گریبان او بگرفت.  
مرد دفاع کردن خواست پیدا شد که هم اشل (کسی که دستش معیوب باشد) است. عوان سه درم طلبید و درگیرودار کلاه از سر او بیفتاد و معلوم شد کل (کچل) نیز بوده است و عوان این بار چهار درم مطالبت کرد. مرد پای به گریز نهاد و در رفتن لنگی او نیز آشکار گشت. عوان گفت: مَجْنِب که گنجی.  
(۱) درمی = درهمی = واحد پول قدیم ایران □

صد دینار دادم فینش را هم من بکم

"گویند کاهلی صد دینار داد تا کسی بینی او بگیرد، مرد بینیرفت و دست به بینی او کرده گفت: فین کن!  
کاهل گفت: صد دینار دادم فینش را هم من بکم؟"  
نکته: مثل را در مورد مسکی که مزد کم داده و کار بسیار خواهد و در مورد حاجت مدد به او ندهد گویند.

علی ماند (می‌ماند) و حوضش

"عالمی بر منبر مجلس می‌گفت و برای استحقاق آب کوثر که ساقی آن علی علیه‌السلام است شرایطی صعب و دراز می‌شمرد. چون سخن در این معنی به پایان برد، لری از مستمعین برخاست و گفت:  
ای شیخ! اگر اینها که گوئی راست است پس علی ماند و حوضش."

گوساله بسته ملا نصرالدین است

گویند ملا دو گوساله یا دو بز داشت یکی از آن دو بگریخت. ملا پس از کوشش بسیار از گرفتن حیوان عاجز آمده بازگشت و بز یا گوساله بسته را به زدن گرفت. گفتند: چرا چنین کنی؟  
گفت: شما ندانید اگر این يك بسته نبود از دیگری چابکتر می‌بود.

بقیه از صفحه ۱۰

سخنرانی رفیق خسرو شاهی در هانوفر

من می‌خواستم بر این مسئله تاکید کم که نبود تشکل یا عدم قبول تشکل از جانب دولت باعث جلوگیری از حرکت کارگران نخواهد شد. به عنوان مثال کارگران کفش ملی که شورای اسلامی داشتند که هدف اصلی شوراهاى اسلامی جلوگیری از اعتصابات سراسری یا هر حرکت کارگری است و یا کارگران نفت که تشکلی نداشتند (با این حال هر دو آنها مبارزه خود را به پیش بردند.)

من فکر می‌کنم که در این جا صحبت‌مان را تمام کنیم و بگذاریم به عهده شما (حاضرین) که با توجه به صحبت‌هایی که شده بحث را به پیش ببرید.

ادامه دارد □

پریش و پاسخ

آمریزا در آماری که جمهوری اسلامی داده بود دیدیم که کرمانشاه دکنر قلب و عروق و اعصاب و روان و دکنر خون شناسی نداشت. میشه یکی چرا؟ آخه راستش برابیم سؤال شده.

آمریزا: جانم که تو باشی اینهم شد سؤال؟ خوب معلومه حتماً مردم کرمانشاه قلب و عروق و اعصاب و خون نازند!

آمیروزا



## اخبار

مذاکرات هیئت بلند پایه آلمانی با سران جمهوری اسلامی

در اواخر ژوئن مولمان، وزیر اقتصاد آلمان، در رأس یک هیئت  
چهل نفره از نمایندگان بلند پایه کارفرمایان و بانکها به ایران سفر کرد.

در ملاقات هیئت آلمانی و مقامات جمهوری اسلامی قول و قرارهایی  
برای گسترش روابط اقتصادی و تجاری آلمان و ایران گذاشته شد. تا  
آنجا که مولمان پس از بازگشت از تهران اعلام کرد، انتظار میرود ایران  
سافرشهای چند میلیاردی دو رقمی (از ۱۰ میلیارد به بالا) به صنایع  
آلمان بدهد.

جالب توجه ترین بخش مذاکرات هیئت آلمانی و مقامات جمهوری  
اسلامی در مورد مشارکت در ساختن یک "کارخانه شیمیایی" در قزوین  
بود. مولمان در مذاکرات خود نسبت به خواست جمهوری اسلامی مبنی  
بر ایجاد یک کارخانه شیمیایی برای وسایل حفاظت از گیاهان و کود  
شیمیایی ابراز علاقه کرد و قول داد امکان ایجاد چنین کارخانهای  
با کمک آلمان را به دقت مورد بررسی قرار دهد.

اما هفته نامه اشپیگل در شماره ۱۵ ژوئیه خود فاش کرد که  
جمهوری اسلامی در زیر لوای ایجاد کارخانه شیمیایی مذکور، در پی  
تأسیس کارخانه تولید گازهای سمی است. طبق گزارش اشپیگل دولت  
آلمان نیز از مدتها پیش از طریق سرویس خبری این کشور در این باره  
مطلع شده است که وزارت دفاع ایران قصد دارد کارخانهای به منظور  
تولید وسایل جنگی در قزوین تأسیس کند. این گزارش حاکیست در اواخر  
بهاره ۸۰ یک شرکت آلمانی به نام لورگی سفارشی برای ساخت کارخانه  
در قزوین نریافت کرد اما بدلالی عدلی بعد پیروژه مذکور متوقف گردید.  
آن سفارش نیز همچون اکنون زیر لوای ایجاد تأسیساتی برای تولید یک  
ماه حفاظت از گیاهان به نام Dimethoat تنظیم شده بود. برای  
تهیه این ماده مواد شیمیایی مورد نیاز است که میتوانند در جهت تولید  
گازهای سمی به کار روند.

طبق اطلاعات سرویس مخفی آلمان، جمهوری اسلامی نقشه تولید  
گاز شیمیایی VX را می‌کشد. تأثیر این ماده که در واقع یک سلاح  
شیمیایی است، در هوای گرم بسیار خطرناکتر از گازهای خردل یا تابین  
است.  
بدین ترتیب مولمان با علم به قصد جمهوری اسلامی مبنی بر ایجاد  
کارخانه تولید سلاحهای شیمیایی نسبت به مشارکت آلمان در این پیروژه  
اظهار علاقه کرده است.

به گزارش اشپیگل در مذاکرات هیئت آلمانی با مقامات جمهوری  
اسلامی، نمایندگان زمین برای صحبت بر سر نیروگاه؛ تأسیسات صنعتی  
کلوکر برای یک کارخانه کاغذ سازی و یک شرکت دختر متعلق به دایلمر  
بنز برای تولید هواپیماهای نوع D0228 که میتواند در امور نظامی  
مورد استفاده قرار گیرد، حضور داشتند.

مولمان همچنین در مذاکرات خود خاطرنشان کرد که دولت  
آلمان قصد ندارد ساخت نیروگاه اتمی نیمه تمام بوشهر را ادامه دهد.  
پیروژه نیروگاه اتمی بوشهر که در جریان جنگ ایران و عراق توسط آلمان  
نیمه کاره رها شد و در طول جنگ نیز خساراتی به تأسیسات آن وارد  
گردید، تاکنون برای ایران ۵ میلیارد مارک هزینه برداشته است. طبق  
گزارش روزنامه دی تاگس-تایتونگ (تاتس) مورخ اول ژوئیه، رفسنجانی قبول  
حاده است در مورد نیمه کاره گذاشتن پیروژه نیروگاه اتمی بوشهر از جانب  
آلمان مشکلاتی برای این کشور بوجود نیاید.

نکته با اهمیت دیگر در سفر هیئت آلمانی به ایران این بود که  
هیئت مذکور علیرغم گفتههای رسمی قبل از سفر، حتی در ظاهر نیز از  
کنار مسئله نقض حقوق انسانی در ایران و جنایات و سرکوبهای جمهوری  
اسلامی گذشت و توجهی به آن نشان نداد.

در حال حاضر آلمان بزرگترین شریک تجاری ایران و ایران  
بزرگترین شریک تجاری آلمان در منطقه خاور میانه است. بنا به گزارش  
تاتس در سال گذشته حجم مبادلات ایران و آلمان ۴/۶ میلیارد دلار -  
بوده و انتظار میرود این رقم در سال ۹۱ به ۶ میلیارد دلار بالغ  
گردد. در چهار ماهه اول سال جاری، میزان صادرات آلمان به ایران  
نسبت به چهار ماهه اول سال گذشته دو برابر شده است.

سفر هیئت بلند پایه آلمانی به ایران که با توافقات مهمی همراه  
بوده است، گام دیگری است از جانب دولت آلمان برای گسترش روابط  
اقتصادی و تجاری با جمهوری اسلامی. مذاکرات مولمان بار دیگر نشان  
داد که دولت آلمان مصمم است بالابوشانی تمامی جنایات، توحش و ستم  
جمهوری اسلامی بر علیه کارگران و محرومین ایران و کمک به تقویت و  
تثبیت رژیم خونخوار حاکم بر ایران، منافع خود را تضمین و جای پای  
خویش را در منطقه خاورمیانه محکم نماید.

بانکهای آلمان و ایتالیا صدها میلیون دلار وام به جمهوری اسلامی  
لطفاً کردند

همانگونه که اطلاع دارید جمهوری اسلامی از حدود دو سال پیش  
به این سوی، به تلاش گستردهتری در جهت اخذ وام از منابع خارجی

## اخبار

دست زده است. در راستای چنین سیاستی، اخیراً نیز این دولت مبلغ ۸۵۶ میلیون دلار وام از دو بانک آلمانی (دویچه بانک) و ایتالیایی دریافت نموده است.

منابع معتبر بین‌المللی و بانک بین‌المللی تسویه حسابهای خارجی (بال سویس) جمهوری اسلامی را در رده کشورهای بدهکار قرار داده‌اند و کارشناسان امور مالی در حال حاضر مجموع بدهکاریهای رژیم جمهوری اسلامی به ففالك دیگر و مؤسسات مالی بین‌المللی را بین ۶ تا ۸ میلیارد دلار تخمین می‌زنند.

جمهوری اسلامی هم اکنون به ژاپن، فرانسه، سویس، ایتالیا، آلمان، کره جنوبی و چند کشور دیگر میلیاردها دلار بدهکار است و علاوه بر آن در طی دو سال اخیر با دریافت اعتبارات بازرگانی از کشورهای صنعتی چندین میلیارد دلار به مؤسسات خارجی و صنایع غربی و ژاپن بدهکار شده است.

تعمین تکلیف عده‌ای از پناهندگان مقیم ترکیه

چندی پیش مطلع شدیم که عده‌ای از پناهندگان سیاسی ایرانی در ترکیه توسط پلیس این کشور و برای خوش‌خدمتی به رژیم جمهوری اسلامی دستگیر شدند. این عده پس از محاکمه، همگی محکوم به این شدند که ظرف مدت یکماه خاک ترکیه را ترک کنند. خوشبختانه همه آنها پس از صاحبیه با هیئتهای اعزامی کشورهای اروپایی و کانادا به عنوان پناهنده پذیرفته و موفق به ترک ترکیه شدند. به جز دو تن که دولت کانادا با پناهندگیشان موافقت کرده اما هنوز پس از گذشت دو ماه هیچ اقدامی برای خروجشان انجام نشده بود.

در این رابطه ما از سازمان عفو بین‌الملل (امنیتی اینترناشنال) درخواست کردیم برای نجات آنان که هر لحظه امکان اخراجشان از ایران وجود داشت اقدام کند. نماینده امنیتی در هانوفر پس از پیگیری این مسئله در روز چهارشنبه ۲۸ اوت به ما اطلاع داد که خوشبختانه این دو تن هم ترکیه را به قصد کانادا ترک نمودند.

موج ککهای اهالی اوکرمونده به پناهندگان

به دنبال تهاجم وحشیانه شبیه شب (۱۰ اوت ۹۱) به خوابگاه پناهندگان در شهر کوچک "اوکرمونده" واقع در شرق آلمان، ککهای مالی و جنسی بسیاری از سوی اهالی شهر به سوی پناهندگان سرازیر شد.

روزنامه تاتس مورخ ۱۵ اوت، ضمن درج خبر فوق به نقل از هلموت کوکبر سرایدار خوابگاه می‌نویسد، اهالی اوکرمونده و حومه در دو روز گذشته برای

پناهندگان خوراک بچه، لباس و ظروف غذاخوری آورده‌اند و یک خانواده برلینی که تعطیلاتش را در آن منطقه می‌گذراند به طور خود جوش مبلغ ۱۰۰ مارک به پناهندگان کمک کرده است. همچنین پرستاران و خدمه بیمارستان و اتحادیه بیکاران به جمع آوری پول برای پناهندگان پرداختند. بنا به گفته سرایدار خوابگاه: "تلفن ناایا" زنگ می‌زند و تعداد زیادی از اهالی مایلند از خانوادها و بچه‌های پناهندگان تا زمانی که خوابگاه پناهنده دوباره قابل سکونت شود، پذیرایی کنند.

نمونه همبستگی اهالی شهر کوچک اوکرمونده با پناهندگان، اگر چه هنوز يك مورد نادر و استثنایی است، اما به خوبی نشان میدهد که در صورت پدید آمدن چنین نزدیکی و همبستگی چه نیروی عظیمی پشت سر ما پناهندگان و مهاجرین وجود خواهد داشت.

فعالیت جریان‌های فاشیستی در شرق آلمان

رشد جریان‌های فاشیستی و وضعیت اسف بار زندگی مهاجرین و پناهندگان در شرق آلمان شهره عام و خاص است. کمتر هفته و روزی است که گروههای فاشیستی در گوشه‌ای از شرق آلمان به خوابگاههای پناهنده حمله نبرند و پناهنده یا مهاجر را مورد ضرب و شتم قرار ندهند.

روند افزایش فعالیت گروههای فاشیستی در شرق آلمان از مدت‌ها پیش آغاز شده بود و هم اکنون بر بستر بیکاری و مشکلات اجتماعی موجود در شرق آلمان، ابعاد گسترده‌ای یافته است. تا آنجا که اوضاع رفته رفته از کنترل دولت آلمان نیز خارج شده و شویله وزیر کشور آلمان در گزارش روز پنجشنبه ۱۵ اوت خویش از فعالیتهای روز افزون جریان‌های راست افراطی در شرق آلمان اظهار نگرانی می‌کند.

در این رابطه برای آشنایی خوانندگان عزیز با جریان‌های فاشیستی در شرق آلمان، بخشهایی از مقاله مندرج در روزنامه دی‌تاکر-تایتونگ مورخ ۸ اوت را مفید تشخیص دادیم. در زیر ترجمه این بخشها که به صورت آزاد صورت گرفته، از نظراتان می‌گذرد:

بخش حفاظت اداره جنایی استانهای شرق آلمان، تعداد راستهای افراطی سازمان یافته در شرق آلمان را نزدیک به دو هزار تن تخمین می‌زند. این دو هزار تن شامل افرادی است که اداره جنایی آلمان نام و آدرسشان را در دست دارد. این اداره تعداد راست گراهای افراطی که دارای پتانسیل کار برد قهر می‌باشند را ده تا پانزده هزار تن تخمین می‌زند.

مراکز مشهور فعالیت نئونازیستها عبارتند از: ارفورت، کوتوس،

درسدن و برلین. اگر چه درسدن همچنان به عنوان "مرکز جنبش"

## اخبار

معتبر است، اما گروههای نئونازیست در کوتبوس بر عمدتر و کار کشته‌تر محسوب میشوند.

طبق مشاهدات اداره مذکور، گروههای نئونازیستی که اوایل سال گذشته در شرق آلمان تأسیس شدند از میان کسانی عضوگیری کرده‌اند که اکثراً در زمان وجود جمهوری دمکراتیک آلمان (قبل از اتحاد دو آلمان) سالهای زیادی با راست افراطی رابطه داشته‌اند.

کارمندان اداره جنایی آلمان شرقی اولین موارد فعالیت‌های نئو-نازیستی را در سال ۱۹۸۲ ثبت کرده‌اند. در آن زمان گروههای جوانان نئونازیست به نامهای "Nazi Skinheads"، "Hooligans" و "Nazi - Heavy - Metal - Gruppen" در ارتباط با ورزشهای رزمی فعالیت می‌کردند. اما تحت حاکمیت دولت هونکر وجود این گونه فعالیتها کاملاً مسکوت گذاشته میشد. فعالیت‌های سازمان یافته راست افراطی در شرق آلمان اساساً توسط شش گروه به پیش برده میشود:

- حزب آزادی کارگران (FAP) که در مارس ۱۹۷۸ در اشتوتگارت تأسیس شده و پس از ممنوعیت جبهه آکسیون سوسیالیستهای ملی در سال ۱۹۸۲، تحت تأثیر هواداران کونن (۱) قرار گرفت.
- الترناتیو ملی (NA) که مرکز آن در برلین است.
- جبهه ملی (NF) که در سال ۱۹۸۵ با هدف موجود بودن یک سازمان ذخیره در حالت ممنوعیت حزب آزادی کارگران (FAP) تأسیس شد.
- لیست ملی (NL) متعلق به کریستیان ورخ (عضو FAP) که در مارس ۱۹۸۹ در هامبورگ بوجود آمد.
- الترناتیو آلمانیا (DA) که تنها چند هفته پس از تغییر و تحولات آلمان شرقی اولین شعبه‌های محلی‌اش را در دوسلدن و کوتبوس تأسیس کرد.
- و بالاخره یک جریان جدید التأسیس موسوم به "تهاجم ملی" در آکسبورگ.

حالات فزاینده به متقاضیان پناهندگی، چپا و دگراندیشان غالباً توسط گروههای راست افراطی صورت میگردد. رهبران ایندولوپیک این جریان‌ها به ندرت در این عملیات شرکت میکنند. براساس شهادت قربانیان تهاجمات نئوفاشیستها و مشاهدات شخصی کارمندان اداره جنایی شرق آلمان، این کارمندان معتقدند که بسیاری از عملیات راست‌های افراطی به طور نقشمند و برنامه ریزی شده صورت می‌گیرد. به عنوان مثال زمانی که در مارس سال گذشته ۴۰۰ جوان نئونازیست در محله هانس لوخ برلین با سنگ و کتکل مولوتوف و میله‌های آهنی به یک خوابگاه پناهندگی هجوم بردند،

حتی همقطاران غربی آنها نیز از ابعاد موضوع حیرت کردند.

## پادداشت

۱- کونن (Kunnen) یکی از رهبران نئوفاشیستها در شرق آلمان بود که در ماه آوریل گذشته در اثر ابتلا به بیماری ایدز در گذشت.

فاشیستهای سوئیس با کتکل مولوتوف از پناهندگان پذیرایی میکنند

در شب سمنه، ششم اگوست دو حرکت خشونت آمیز بر علیه پناهندگان در سوئیس انجام شد. نقاط مورد حمله یک خوابگاه پناهندگی در "مونشن اشتاین" و قرار گاه موقتی پناهندگان در "Basel-Stadt" بودند.

باجود پرتاب چهار کتکل مولوتوف به دیوارها و پنجره‌های خوابگاهها هیچ کس مجروح نشد. عاملین حملات هنوز دستگیر نشده‌اند. این سری حملات به خوابگاههای پناهندگی در سوئیس از چندین ماه پیش و به شکل کاملاً مشابهی جریان دارد. حمله قبلی در شب دوم اگوست انجام شده بود. در این شب خوابگاه مرکزی پناهندگان شهر "تون" با کتکل مولوتوف مورد حمله قرار گرفت و به آتش کشیده شد. خوشبختانه اینبار هر ۲۵ نفر ساکنین هایم مزبور توانستند خود را نجات دهند. در آتش سوزی بزرگی که روز پنجشنبه در بندر ژنو روی داد سه نفر از ۶۰ پناهنده ساکن هایم و یک مأمور آتش نشانی بشدت زخمی شدند.

ساعاتی بعد سیاستمداران سوئیس در سخنرانی‌هایشان بمناسبت هفتصدمین سالروز استقلال سوئیس به تمجید از سوئیس بعنوان کشوری برداختند که همیشه درهائش بروی پناهندگان و آوارگان باز است و بار دیگر ادعا کردند که سوئیس در سالهای ۴۵-۱۹۳۳ پناهنده یهودیان فراری بوده است.

برطبق آخرین نظرخواهی‌ها، ۹۰ درصد از اعضای احزاب و گروههای مختلف سیاسی و مذهبی سوئیس مخالف مهاجرت پناهندگان به سوئیس هستند. دو سال قبل هنوز بیش از ۵۰ درصد موافق این مسئله بودند؛ گلیساها، سیزها، سوسیال دمکراتها، گروهها و سازمانهای مختلف پناهندگی، همه و همه به جو ضد خارجی سوئیس اشاره میکنند. طبیعی است که بیش از صد هزار دیپلمات خارجی و کارمندان سازمان ملل که با خانواده‌هایشان در ژنو زندگی میکنند یا آلمانیایی که سوئیس را بعنوان اقامتگاه دوم خود برگزیده‌اند هرگز مورد حمله و اعتراضی قرار نمی‌گیرند.

این گونه حملات همیشه متوجه خارجی‌هاست که از "کشورهای جهان سوم"

## اخبار

و یا جنوب اروپا به سوئیس آمدند. هر چند که دسته اخیر تنها کمتر از ده درصد از خارجیهای سوئیس را تشکیل می‌دهند. از اواسط سال ۱۹۸۹ همراه با افزایش جمعیت پناهندگان در سوئیس، حرکات اعتراضی، بخصوص به شکل آتش کشیدن هایمهای پناهندگی هم رو به افزایش گذاشته که تا بحال منجر به کشته و مجروح شدن تعداد زیادی شده است.

عاملین این جنایات که تقریباً همیشه موفق به فرار می‌شوند اعضای گروههای راست گرای افراطی هستند. دانشگاه زوریخ اخیراً در پی تحقیقاتی اعلام کرد: ادعاهایی از قبیل اینکه پناهندگان با اشغال همه کارها موجب بیکاری سوئیسی‌ها میشوند، با توجه به اینکه تعداد بیکاران سوئیس تنها حدود نیم درصد است نمی‌تواند صحت داشته باشد. بعلاوه لازم به توضیح نیست که تقریباً تمام پناهندگان شاغل، کارهایی را انجام می‌دهند که سوئیسی‌ها حاضر به انجام آنها نیستند. دولت و ادارات -

سوئیس تاکنون برنامه خاصی برای حل مشکل پناهندگان ارائه ندادند. تنها اقدامات آنان ترساندن پناهندگان از مشکلات خارجیها در سوئیس، بستن مرزها و اخراج و فرستادن پناهندگان حتی به کشورهایی که خطر مرگ مستقیماً پناهندگان را تهدید می‌کند بوده است. اکثر پناهندگان

سوئیس مجبورند بطور تنها و در مکانهایی از قبیل پناهگاههای باقیمانده از جنگ زندگی کنند. در بهار امسال دولت سوئیس هم به تقلید از - اطریش با ارتش مسلح به مقابله یک دسته از خارجیها که قصد ورود به سوئیس از طریق آلمان را داشتند، رفت. تقاضای افزایش سربازان در - نزدیکی مرزها برای جلوگیری از ورود غیر قانونی پناهندگان هر روز بیش از پیش شنیده میشود. تعداد پناهندگان پذیرفته شده در سال ۱۹۹۰ حدود ۴/۵ درصد بوده و هنوز به بیش از صد هزار تقاضای پناهندگی

مربوط به سال ۱۹۸۹ رسیدگی نشده است. جدیداً دولت قصد دارد به کار رسیدگی به تقاضاهای پناهندگی سرعت بخشد و پناهندگانی که تقاضایشان پذیرفته نمیشود در آینده هر چه سریعتر اخراج خواهند شد.

گزارش بالا با استفاده از مقاله‌های روزنامه دی تاکی سائیتونگ

( ۶ و ۸ اوت ۱۹۹۱ ) ، توسط رفیق آرش تهیه شده است.

□

دولت مصر فعالیت سازمان زنان را ممنوع اعلام کرد

فعالیت شاخه سازمان زنان عرب بنام

"Arab Women Solidarity Association"

در مصر توسط مقامات دولت مصر ممنوع اعلام شده است. دفتر این - تشکل در اواسط ماه ژوئیه سال جاری بمستور شهردار قاهره تعطیل و دارائی آن ضبط گشت.

سازمان مذکور ( AWSA ) در سال ۱۹۸۲ توسط همیاری زنان عرب از جمله نویسندگان و حقوقدانان زن مانند "ناول ال سادوی" از مصر و "فاطمه مرئیسی" از مراکش، بنیان گذاشته شده است.

این سازمان، سازمانی مستقل بوده و در همه کشورهای عربی به استثنای کشورهای منطقه خلیج فارس شعبه ندارد:

مبارزه برای حقوق اجتماعی زنان، دموکراتیزه کردن جوامع عربی، لغو حجاب اجباری و نیز آگاه ساختن زنان به حقوق خود، از جمله اهدافی هستند که سازمان ( AWSA ) در مقابل خود قرار داده است. دو سال پیش سازمان مذکور موفق به تأسیس نخستین چاپخانه عربی زنان و نیز انتشار مجله زنان بنام نون "NUUN" شد. انتشار این مجله که از همان ابتدا با فشارها و محدودیتهای فراوان از طرف وزارت اطلاعات روبرو بود، بعد از ۴ شماره در اواسط سال ۹۱ ممنوع اعلام شد.

فعالیت صلح طلبانه سازمان در طول جنگ خلیج فارس، مانند سفرهای متعدد دبیر آن "خانم ناول ال سادوی" به همراهی یک هیئت بین‌المللی زنان به کشورهای مختلف جهان به منظور خاتمه دادن به جنگ، منجر به افزایش فشارهای رژیم بر این سازمان شد. دارائی آن ضبط و در اختیار تشکل "زنان اسلام" که یک حزب مسلمان سنتی است، قرار داده شد.

این سازمان هم اکنون به حمایت بین‌المللی نیاز دارد و از - کلیه عناصر پیشرو و آزادیخواه در خواست همیاری و مساعدت دارد تا با ارسال نامه‌های اعتراضی به مقامات رژیم مصر و همچنین سفارت مصر در بن رژیم مصر را جهت به رسمیت شناسی مجدد آن زیر فشار قراردهند.

منبع خبر: تاتس ۹۱/۷/۲۷ □

۷۵۰۰ زن آرژانتینی گرد هم آمدند

ششمین نشست سراسری و ملی زنان آرژانتین در اواسط ژوئیه ۹۱ با شرکت ۷۵۰۰ زن در شهر ماردل پلاتا (Mardel Plata) برگزار شد.

اکنون مدت ۵ سال است که زنان آرژانتین مرتب به گرد هم جمع می‌شوند تا ضمن ردوبدل نمودن تجارب خود پیرامون مطالبات اساسی شان و هماهنگ نمودن حرکات اعتراضی خود به شور بنشینند. ابتکار این گردهمایی وسیع به زمانی باز می‌گردد که زنان آرژانتین در مبارزه بر علیه دیکتاتوری نظامی فعال بودند و به اقداماتی بر علیه سرکوب نظامیان دست می‌زدند. از جمله این اقدامات می‌توان به راهپیمائیهای وابستگان زندانیان سیاسی و مفقود شدگان و راهپیمائیهای هفتگی زنان خانوار که - قالمهای خالی در خیابانها جولان میدادند، اشاره کرد.

## اخبار

## کمیابی گوشت در ایران و

## قاچاق گوسفند از ایران به ترکیه

در حالیکه مردم ایران برای تهیه گوشت مورد نیاز خود با مشکلات زیادی روبرویند و کارگران و زحمتکشان برای تهیه تنها یک کیلو گوشت ناچارند حداقل حقوق ۲ تا ۳ روز خود را بپردازند، و در شرایطی که همه ساله مقدار زیادی گوشت گوسفند و مرغ حتی گوشتای منجمد شده وارد ایران میشود، به سبب تفاوت قیمت ریالی گوشت در ایران در مقایسه با ارز ترکیه، مقدار قابل توجهی گوشت گوسفند و گوسفند زنده از ایران به ترکیه قاچاق میشود.

در این میان صاحب منصبان و مأمورین دولتی هر دو کشور یا بطور مستقیم در قاچاق گوسفند از ایران به ترکیه دست دارند و سخما و گروهها جز شبکه قاچاق محسوب میشوند یا بطور غیر مستقیم با گرفتن مبالغ هنگفتی رشوه امر قاچاق را تسهیل میکنند.

بنا به گزارش نشریه "به سوی دو هزار" چاپ ترکیه، در حال حاضر قیمت یک کیلو گوشت گوسفند در ایران مطابق با ارز ترکیه بین ۵۰۰۰ تا ۴۲۰۰ لیر میباشد، در حالیکه همین مقدار در مناطق کردستان ترکیه بین ۱۸ تا ۱۵ هزار لیر و در شهرهای بزرگ ترکیه مانند آنکارا و استانبول بین ۳۰ تا ۲۵ هزار لیر داد و ستد میشود.

بنا به همین گزارش، تنها در طی سال از نوار مرزی شهر بینلسی ۲ میلیون گوسفند از ایران به ترکیه به انحاء مختلف وارد میشود، و بر اساس تحقیقات بعمل آمده ۷۵ درصد گوشت گوسفندی که در شهر وان به فروش میرسد، متعلق به گوسفندانی است که از ایران به ترکیه راه یافتهاند.

شهردار شهر وان، فتحالله ارباشی که روابط خوبی با دولت ایران دارد، بزرگترین تاجر گوسفند منطقه است. وی مسئول حزب مذهبی بنام "حزب رفاه" است که تمایلاتی به دولت ایران دارد. اسکندر ارتوش شهردار شهرک باش قلعه (از شهرکهای مرزی ایران و ترکیه) نیز از برکت قاچاق گوسفند از ایران به ترکیه صاحب ده گله گوسفند و ثروت هنگفتی شده است. هر گلهای که تعلق به وی دارد، شامل چند هزار رأس گوسفند میباشد.

نیروهای نظامی ترکیه نیز در این میان "حق السهم" خود را دریافت میکنند. پاسگاههای (چاملی، البیسی، کانیرش، انبسی و...) واقع در حومه شهرک باش قلعه مانند سایر پاسگاههای مرزی ایران و ترکیه، در کنار کنترل مرز و مبارزه با قاچاق (!) صاحب گلههای بزرگی از گوسفندان قاچاق شده ایرانی گشتهاند. پادگان نیروی زمینی شهرک سارای واقع در

مجله هفتگی چیپا بنام "HOY" در پاسخ به این سوال که این گردهمایی چه اثراتی بر جامعه آرژانتین دارد، میگوید: "بسیاری از خود پرسیدند، وقتی هزاران زن به مدت ۳ روز در سال به تبادل نظر درباره مشکلاتشان و نیز مسائل اساسی کشور میپردازند، وقتی که بزهای عقیدتی و سیاسی بین زنان باقی بمانند و نقطه نظرهای مختلف رسمیت شناخته شوند، بدون اینکه این مرزها و نقطه نظرات اتحاد زنان برای مطالبات اساسیشان را تحت تأثیر قرار دهد. ۰۰۰ وقتی یک زن مستخدم، یک زن معلم، یک زن کارگر، یک متخصص، یک زن جوان و یا یک مادر بزرگ درباره درد مشترکشان به بحث بپردازند و به جستجوی راه حل بگردند چه تأثیرات و نتایجی به همراه خود خواهد آورد؟

باید گفت تصور اینکه این شکل از دیدار بتواند زنان بسیاری، زنانی که البته مبارزه برای خاتمه دادن به تضحیقات و استثمار خویش هستند، را جلب کند، برای خیلیها امکان پذیر نبود. اما این گردهماییها نشان داد که اتحاد عمیقی بین استثمارشدگان پدیدار مینماید. اتحادی که در حالی بزرگ چیره گشتن بر مشکلات و مصائب مادیت مینماید. اینان اکنون میتوانند که از طریق پیشبرد یک مبارزه مشترک، بتوانند راه حل خاتمه دادن به ستم و استثمار را بیابند."

اقتباس و تلخیص از "Rote Fahne"

□

## گوشههایی از زندگی رئیس جمهور آلمان

ریچارد فن وایتسکر، سیاستمدار دمکرات مسیحی (CDU) متعلق به یکی از خانوادههای سرشناس طبقه حاکم است. پسر کارمند عالیرتبه وزارت امور خارجه در زمان فاشیستها بود. در سال ۱۹۹۹ وایتسکر بعنوان حقوقدان وکالت پدرش را که متهم به دست داشتن در جنایات جنگ بود بمعهد گرفت.

بعد از حمله به شوروی در سال ۱۹۴۱ او هم وارد کشور اشغال شده گردید. در دهه ۶۰ بعنوان مدیر عامل و سهامدار شرکت مواد شیمیایی "Ingelheim" از سموم سازی خلق ویتنام توسط آمریکا، سود برد. او که تا سال ۱۹۶۶ مسئول امور کارکنان شرکت بود طرح نوسازی کارخانجات را علیرغم اینکه بنا به گفته یکی از روسای تولید، شدت سمومیت کارکنان غیر قابل تحمل شده بود، بعلت مخارج سنگین رد کرد.

اقتباس از هفته نامه "Rote Fahne"

## نگاهی به کودتای نافرجام در شوروی و علل وقوع آن

سخنان یلتین وحشت از فروپاشی اتحاد شوروی، تهدید غیر مستقیم جمهوریهای که مایل به جدایی از شوروی هستند و تلاش برای گسترش قلمرو قدرت جمهوری روسیه دیده میشود. اما شکاف بین جمهوریها و حکومت مرکزی شوروی چنان عمیق است که با اینگونه توپ و تشرها نمیتوان جمهوریها را مجبور به چشم پوشی از استقلال خویش کرد. به هر حال آنچه از هم اکنون روشن است، اتحاد شوروی به شکل سابق (با یک حکومت قوی مرکزی و اختیارات محدود برای جمهوریهای ۱۵ گانه) دیگر وجود خارجی ندارد. (۱۶) در آینده نزدیک برخی از جمهوریها از جمله جمهوریهای بالتیک کاملاً از اتحاد شوروی جدا شده و به شکل کشورهای مستقلی در خواهند آمد. در صورتی هم که تعدادی از جمهوریها نخواهند یا نتوانند از اتحاد شوروی جدا شوند، روابطشان با دولت شوروی کیفیتاً تغییر خواهد کرد و در قرارداد جدید اتحاد قطعاً اختیارات بالنسبه زیادتری برای جمهوریها منظور خواهد شد.

در این زمینه عکس العمل غرب نیز حائز اهمیت است. دولتهای غربی به ویژه ایالات متحده تا حد معینی در تضعیف اتحاد شوروی ذینفع هستند و امیدوارند بتوان با کاهش قدرت حکومت مرکزی و برقراری رابطه مستقیم اقتصادی - سیاسی با جمهوریهای مستقل، هم روند اصلاحات در شوروی را تسریع کرد و هم تأثیر اتحاد شوروی بر رویدادهای بین‌المللی را به حداقل ممکن رساند. تصادفی نیست که این دولتها بلافاصله پس از شکست کودتا استقلال جمهوریهای بالتیک را به رسمیت شناخته و به روند جدایی آنها از اتحاد شوروی شتاب میدهند. اما از سوی دیگر فروپاشی ناگهانی و توأم با هرج و مرج اتحاد شوروی ممکن است امنیت و ثبات مورد نظر سرمایه داری کل اروپا را به خطر بیندازند و موجب بروز وقایع غیرقابل پیش بینی گردد. وجود همین خطر، غرب را در دخالت در مسائل ملی اتحاد شوروی محتاط میکند.

## نتیجه گیری کیم

رویدادهای چند روز اخیر پس از شکست کودتا، با وضوح هر چه تامتر نشان میدهند که دوره روشها و خط و مشی‌هایی که گورباچف طی حدود ۶ سال گذشته نمایندگی اش میکرد در تمامی عرصه‌های حیوانات اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک جامعه شوروی به پایان رسیده است.

به طور کلی نظرات و سیاستهای گورباچف در ۶ سال گذشته همواره بر دو پیش فرض مبتنی بوده است:

- ۱- اصلاح "حزب کمونیست شوروی" در جهت پذیرش و پیشبرد الگوهای اقتصادی - اجتماعی مورد نظر.

یک اتحاد دولتی تشکیل دهند. این اتحاد اساساً میبایست بر مبنای همکاری اقتصادی و امنیت دولتی باشد. سایر جمهوریها نیز به ورود در این اتحاد دولتی فرا خوانده شدند.

از سوی دیگر طبق گفته یلتین در ماه سپتامبر قرارداد جدید اتحاد بین جمهوریها امضا خواهد شد و جمهوری روسیه مرزهای تمامی جمهوریهای که این قرارداد را امضا کنند رعایت خواهد کرد. در این اقدامات و

## گفتنی

یکی از گروههای پناهنده‌گی در هیلدس هایم کتابی را درباره راهنمای کمک اجتماعی و حقوقی برای پناهندگان در استان نیدرزاکسن به زبان آلمانی منتشر نموده است. علاقمندان میتوانند برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه با آدرس زیر تماس حاصل نمایند.

## Rechts- und Sozialhilfe Leitfaden für Flüchtlinge in Niedersachsen

Ratgeber  
in deutscher Sprache  
für Beratungsstellen und  
Flüchtlinge

Herausgeber: Buntstift e.V.

zu beziehen über:

Asyl e.V.

3200 Hildesheim

Lessingstraße 1



Tel. 05121-132820

راهنمای زندگی در آلمان

نیدرزاکسن

## نگاهی به کودتای نافرجام در شوروی و علل وقوع آن

بر بازار است. این روندی است که علاوه بر تحولات داخلی در شوروی مورد حمایت و پشتیبانی فعال دولتهای آمریکا و اروپاست.

از سوی دیگر در عرصه بین المللی نیز نقش شوروی در مسائل جهانی محدودتر و کمتر از گذشته خواهد شد.

تأمین این تحولات در شوروی، علیرغم تبلیغات تئوریهایی و

رسانه‌های امپریالیستی، نه نشانه مطلوبیت "اقتصاد بازار" و دموکراسی

نوع غرب است و نه نمودی از به بن بست رسیدن کمونیسم و سوسیالیسم.

کافی است نگاهی به فقر و فلاکت، بیکاری، بی‌حقوقی و بحرانهایی

اجتماعی که نامگیر لهستان، شرق آلمان و سایر کشورهای اروپایی

شرقی شده، بیاننازیم تا دریاییم "اقتصاد بازار" و دموکراسی عقیم و

بسیار محدود غرب نیز تحققی برای مردم این کشورها به ارمنستان

نیاورده است. زندگی اکثریت مردم آمریکا و اروپای غربی و صدها میلیون

تهیدست کشورهای پیرامونی که زیر فشار سرمایه لسه میشوند نیز خواهد

دیگری از غیر انسانی بودن نظام سرمایه‌داری است. از سوی دیگر نظمی

که در شوروی و کشورهای اروپای شرقی حاکم بود نیز نظمی سوسیالیستی

یعنی نظمی متکی بر شوراها، کارگران و تهیدستان که بر سرنوشته خوش

حاکمند - نبود که فروپاشی آن نشانه بن بست سوسیالیسم و کمونیسم

باشد. برعکس تحولات اخیر بار دیگر بر مریمیت و ضرورت پرداختن به

افق سوسیالیستی و کمونیستی و راههای شکل دادن و تحقق جامعهای

متکی بر شوراها، خوینگردان اهالی که بر حیات اقتصادی و سیاسی

جامعه حاکمند، را خاطر نشان میکند.

ناصر سعیدی  
۹۱/۸/۲۸

## یادداشتها

۱- به نقل از: تاس - ۹۱/۸/۲۰

۲- به نقل از: Rote Fahne - ۹۱/۸/۲۴

۳- به نقل از: Welt am Sonntag - ۹۱/۸/۲۵ - می ۲۵

۴- منبع: Osteuropa, 7/91, S- 627

۵- منبع ذکر شده در یادداشت شماره ۳

۶- طبق تخمین Klaus Vowe در هفته نامه Rote Fahne

مورخ ۹۱/۸/۲۴، تنها در سال ۹۰، حدود هزار تن در درگیریهای

ملی در شوروی جان باختند.

۷- همانطور که از نام ذکر شده در "قرارداد اتحاد" پیداست، نام

تاکوئی کشور یعنی "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" میباشد تغییر

کند.

۲- حفظ اتحاد جماهیر شوروی از طریق یک حکومت قوی مرکزی که با

اقتدار بر تمامی جمهوریها فرمان میراند.

هر دو پیش فرض فوق همانطور که قبلاً اشاره شد، از بین رفتند.

"حزب کمونیست" در یک قدمی انحلال قرار دارد. اتحاد شوروی نیز به

شکل سابق خود دیگر وجود خارجی ندارد.

بر عرصه اقتصاد، نه تنها رونق اقتصادی و موفقیت در زمینه بکارگیری

تکنولوژی مدرن بدست نیامده، بلکه وضعیت اقتصادی دائماً وخیمتر

شده است. نه اهرمها و نهادهای اقتصاد دولتی (پیشبرد تولید طبق

برنامه از پیش تعیین شده، ارگانهای مسئول حساسی و نظارت دولت

بر تولیدات واحدهای تولیدی، شبکه توزیع دولتی و... ) کارایی سابق را

نارند و نه تولید بر حسب قانون مندیا و مکانیزمهای بازار سازماندهی

شده است. اینک حتی خود گورباچف نیز اعتراف میکند که اوضاع اقتصادی

بدین منوال نمیتواند پیش برود و "می‌بایست تمامی موانع در جهت استقرار

اقتصاد بازار برطرف شود."

در عرصه ایدئولوژیک - فرهنگی نیز گرایش که گورباچف نمایندگیاش میکرد

هنوز به قالبها و عبارات شبه سوسیالیستی نیاز داشت و هنوز هر چند به

مزایای بسیار کمتر از گذشته، به سببها و شعارهای انقلاب اکثر اشاره میکرد.

اینک اینگونه قالبها و عبارات و الفاظ نیز ارزش مصرف خود را از دست

دادهاند. تحت فشار تحولات اخیر و "جناح تندرو"، حاکمان شوروی هرچه

بیشتر به الفاظ و قالبهای ایدئولوژیک متعارف بورژوازی روی می‌آورند. "دموکراسی"

و "استقلال" و "پیشرفت صنعتی" بیش از پیش ورد زبانه میشود. لفظ

"سوسیالیسم" میرود که از نام اتحاد شوروی نیز حذف گردد. پرچم

سه رنگ تزاری پرچم رسمی جمهوری روسیه اعلام میشود. مجسمهای لنین

از بسیاری از محلهای جمع آوری می‌گردند و...

در زمینه درگیریها و کشمکشهای درون حکومتیان، تاکتیک گورباچف در ۶ -

سال گذشته حفظ تعادل بین "جناح محافظه کار" و "جناح تندرو" و -

فانور زدن بین این دو جناح و پیشبرد گام به گام اما آهسته اهداف

خود بود. این تاکتیک نیز با درهم شکسته شدن "جناح محافظه کار"

و یک تازی یلتنین و شرگا، کارایی خود را از دست داده و گورباچف

ناگزیر شده ابتکار عمل را به گرایش اخیر الذکر بسپارد.

بدین ترتیب حتی اگر شخصی گورباچف نیز بتواند مدت زیادی

در حکومت باقی بماند امری که بسیار قابل تردید است خط و مشی

سیاسی وی تا قبل از کودتای اخیر دیگر کارایی ندارد و به بن بست

رسیده است.

اینک دوره تاخت و تاز طرفداران دو آشمتز و پیگیرتر سرمایه‌داری مبتنی

## نگاهی به کودتای نافرجام در شوروی و علل وقوع آن

دو ما به ازای سیاسی گذار به سرمایه داری مبتنی بر بازار را نه گلاسنوست و دمکراسی نوع غرب که اعلام شرایط اضطراری و حکومت نظامی می‌باندند.

۱۰- در مورد روزنامه پراودا این نکته نیز قابل ذکر است که خودگردانندگان آن نیز دیگر قصد ندارند پراودا ارگان "حزب کمونیست" باشد و رسماً اعلام کردند که از این پس پراودا می‌بایست یک روزنامه سیاسی عمومی باشد.

۱۱- برای اطلاع از مشخصات (جمعیت، مساحت، پایتخت و ۰۰۰۰) ۱۵ شهریور شوروی زجوع کنید به روزنامه تاتس = ۱۱/۸/۲۶

۱۲- اظهارات ویتا واتس لندزبرگیز، رئیس جمهور لیتوانی، در مورد ازهم پاشیدگی اتحاد شوروی، اگر چه مبالغه آمیز است، اما جنبه‌هایی از حقیقت در بردارد. وی معتقد است: " همه چیز درهم شکسته است. اتحاد شوروی در واقع از یکسال پیش وجود نداشته است. آنچه وجود داشت وزارتخانه‌ها، ارتش و کادوگ‌ب بود و اینها دولت نامیده می‌شدند. من فکر نمی‌کنم که بتوان این امپراطوری را بیش از یک هفته نگه داشت." (اقتباسی از تاتس - ۹۱/۸/۲۷)

\*\*\*

۸- برای کسب آشنایی اولیه با زندگی سیاسی مهره‌های اصلی کمیته کودتاگران مراجعه کنید به روزنامه تاتس مورخ ۹۱/۸/۲۰ صفحه ۴

۹- مقایسه مواضع اعلام شده کمیته، با طرحی که در آوریل گذشته پیشنهاد شده بود بی‌فایده نیست. این طرح که "طرح نقشه عمل بلوک نیروهای مرکزی تحت رهبری رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" نام داشت توسط پاولف و سایرین پیشنهاد شده بود، توسط گورباچف رد شد و عملاً "منتفی گردید." طبق این نقشه عمل دو مرحله پیش بینی شده بود. در مرحله اول برکناری نیروهای نظیر بلتسین که طرفدار حرکت سریعتر به سمت الگوهای اقتصادی-سیاسی غرب هستند و همچنین کمپین بر علیه "جنایت سیاسی" در مرحله دوم می‌بایست شرایط اضطراری اعلام شود، اپوزیسیون سیاسی تحت فشار قرار گیرد و "عناصر بازار اقتصاد گسترش یابند." (به نقل از تاتس - ۹۱/۸/۲۰ - ص ۴)

نقاط تشابه موضع اعلام شده کودتاگران و طرح پیشنهادی ماه آوریل در این است که هر دو از نظر اقتصادی بر "انامه اصلاحات" یا گسترش اقتصاد مبتنی بر بازار-هرچند با شتابی کمتر از اکنون-تاکید دارند و هر

نشریه را به صورت مرتب به آدرس ارسالی، پست خواهیم نمود. کامیاب باشید.

کمیته اعتراضی به سفر رفسنجانی دیکتاتور ایران به اروپا - مستقر در زوریخ، اعلامیه افشاگرانه شما در رابطه با سفر رفسنجانی به اروپا بدستمان رسید. با تشکر از شما، برایتان در افشای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی آزوی موفقیت داریم.

هیات مؤسین دفترهای کارگری-سوسیالیستی، نامتان را - دریافت کردیم. از اینکه با پیشنهاد ما مبنی بر مبادله نشریات توافق کردید، متشکریم. موفق باشید.

سازمان مبارزه برای ایجاد جنبش مستقل کارگری - اعلامیه شما درباره محکومیت ترور بختیار بدستمان رسید. از لطف شما سپاسگزاریم.

دوست عزیز از لیگ بلژیک، نامتان را دریافت کردیم. از همکاری و پشتکار شما پیرامون ترجمه اعلامیه کمیته همستگی در اعتراضی به سفر رفسنجانی به زبان فرانسه و همچنین از اینکه متن ترجمه شده را در اختیار جریانات سیاسی و روزنامه‌های کثیرالانتشار قرار دادید، فوق العاده متشکریم. امیدواریم رابطه و پورتیک مشترکان از غنا و وسعت بیشتری برخوردار گردد. موفق باشید.

## نامه های رسیده



رفیق عزیز پویان، چهار نامه از شما به همراه مطالب ارسالی و همچنین نامه‌های کسانی که کمکهای مالی جمع آوری شده از سوی کمیته همستگی ۰۰۰ را در اختیار آنان قرار دادید، بدستمان رسید. از همکاری‌های پودریغ و خود جوش شما کمال سپاسگزاری را داریم.

پیگیری شما در حفظ و ارتقاء رابطه‌تان با کمیته همستگی و نشریه پویان چه در رابطه با دنبال نمودن رخدادهای سیاسی - اجتماعی ترکیه و ارسال اخبار آن برای نشریه پویان و چه در رابطه با طرح مسائل، مشکلات و مطالبات پناهندگان ایرانی در ترکیه، نشانگر شور انقلابی و شادابی سیاسی شماست. ما از تمامی زحمات شما خالصانه سپاسگزاریم. موفق باشید.

رفیق عزیز البرز از کانادا، مبلغ ۲۰ دلار آمریکا ارسالی از طرف شما به صورت چک بابت هزینه اشتراک نشریه پویان بدستمان رسید.



## نامه های رسیده

رفقا و دوستان متشکل در شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی-پاکستان، اعلامیه انتقادی شما به نشریه همبستگی، ارگان فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان ایرانی، بدستمان رسید. از لطف شما سپاسگزاریم و برایتان آرزوی موفقیت داریم.

جمعی از ایرانیان مقیم اوتاوا، رفقا اعلامیه های ارسالی شما درباره حمایت از پناهندگان ایرانی در پاکستان و همچنین اعلامیه اشکازنهان درباره دولت رفسنجانی را دریافت نمودیم. ضمن قدردانی از فعالیت های شما برایتان آرزوی موفقیت هر چه بیشتری داریم و امیدواریم رابطمان از عمق هر چه بیشتری برخوردار گردد.

رفقای متشکل در هسته بهروز دهقانی، ونکوور مبلغ ۳۰ دلار کانادا ارسالی از طرف شما، بابت هزینه اشتراک نشریه پویش بدستمان رسید. با تشکر بسیار از شما امیدواریم رابطمان همچنان از استحکام بیشتری برخوردار گردد. موفق باشید.

رفیق گرمی فریدون از هایدلبرگ، کمی مطالبی که برایمان ارسال نموده بودید، بدستمان رسید. مجدداً از لطف و همکاری صمیمانه شما با نشریه پویش فوق العاده سپاسگزاریم. موفق و کامیاب باشید.

رفیق عزیز آزاده از کلن مبلغ ۱۰۰ مارک کله مالی شما جهت پناهندگان ترکیه به حساب کمیته همبستگی ۰۰۰ واریز شد. از مساعدت و توجه شما بسیار سپاسگزاریم و برایتان آرزوی موفقیت داریم.

رفیق عزیز پولاد از آمریکا، مبلغ ۵۰ دلار کله مالی شما به دستمان رسید. توجه عزیزانی مانند شما که با کله مالیاتان می کوشید تا اثر مشترکان به پیش رود پایه امید و پشتیبانی است؛ توفیق و پیروز باشید.

رفیق عزیز جمشید از کولتینگن، مبلغ ۳۰ مارک از طرف شما، بابت هزینه اشتراک نشریه پویش بدستمان رسید، از لطف شما بسیار سپاسگزاریم. منتظر دریافت مطالب ادبی شما هستیم. موفق باشید.

رفقای انجمن کارگران ایرانی لندن نامتان رسید از لطف و محبت شما سپاسگزاریم، برایتان آرزوی موفقیت می کنیم.

رفقا و دوستان متشکل در انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی - ونکوور (کانادا) نامه شما بدستمان رسید. با تشکر از شما، به اطلاع می رسانیم که در نامه جداگانه ای از شما درخواست نموده بودیم که خلاصه ای از فعالیت های خود را حداکثر در ۲ یا ۳ صفحه آ-۴ تنظیم کرده و برایمان

ارسال کنید تا با چاپ نمودن آن در نشریه پویش بتوانیم گامی در جهت معرفی نمودن تشکل شما برداریم. منتظر دریافت گزارشی از فعالیت های شما هستیم. دستتان را به گرمی می فشاریم و در جهت متشکل نمودن پناهندگان برایتان آرزوی موفقیت داریم.

رفیق عزیز فریدون از ترکیه، هر دو نامه شما بدستمان رسید. از لطفتان بسیار سپاسگزاریم. در یکی از نامه های شما با ارائه مشخصات دو تن از پناهندگان ایرانی در ترکیه و ذکر وضعیت بد امنیتی آنان در آنجا، از ما درخواست نموده بودید تا مراتب را به اطلاع امنیتی برسانیم. رفقای ما سریعاً اطلاعات شما درباره این دو پناهنده را در اختیار امنیتی قرار دادند و موضوع از طرف آنها با زدن تلکس به UN آنکارا پیگیری شده است. موفق باشید.

رفیق محمد کشاورز نامه شما به همراه جزوه ارسالی بدستمان رسید. از لطف شما بسیار سپاسگزاریم از اینکه "پویش را در میان توده پناهنده نشریه موقی" می دانید بسیار خرسندیم و از پیشنهاد همکاری شما استقبال می کنیم. بدیهی است مطابق با درخواستتان مرتباً نشریه پویش را به آدرس مورد نظرمان ارسال خواهیم کرد. برایتان در جهت دفاع از حقوق و مطالبات پناهندگان آرزوی موفقیت داریم.

رفیق مسعود از ترکیه نامتان بدستمان رسید. لازم به ذکر است که ما هیچگونه ارتباطی با افرادی که خواهان تماس با آنها هستیم، نداریم. از اینرو نامه شما را در اختیار رفقای ذریبط قرار دادیم، تا آنها شرایط تماس شما را تسهیل نمایند. موفق باشید.

رفیق مسئول مالی فعالین سازمان چریک های فدایی خلق ایران در سوئد، نامتان به همراه مبلغ ۲۷۰ کرون سوئد بابت فروش شماره های ۱۸=۱۷ و ۱۹ پویش را دریافت کردیم. از همکاری های صمیمانه همگی شما قدردانی می نماییم. ما به زودی نامه جداگانه ای برایتان ارسال خواهیم کرد. موفق و پیروز باشید.

رفیق آرش، نامتان به همراه فتوکی مطلب فعلی که در دو نشریه هرتی آلمانی در مورد شرایط ضد انسانی در ایران و حمایت شرکت های سرمایه داری آلمان از جمهوری اسلامی درج شده بود به دستمان رسید. از اینکه اعلامیه آلمانی کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران بر علیه سفر رفسنجانی به اروپا را در اختیار نویسنده دو متن فوق قرار داده بودید، سپاسگزاریم. همچنین از این امر که رفیق آلمانی نویسنده متون فوق آمادگی خویش را برای همکاری با نشریه پویش اعلام نموده، بسیار خرسندیم و دستش را به گرمی می فشاریم.

نامه های رسیده

- ۳- ترجمه فارسی گزارش وزارت امور خارجه آلمان درباره وضعیت ایران-  
ژانویه ۰۹۱
- ۴- دفترهای کارگری- سوسیالیستی - شماره ۵، تحت عنوان، کنترول  
کارگری و مدیریت کارگری.
- ۵- نشریه همستگی - فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان ایران،  
شماره ۰۲۰
- ۶- بولتن آغازی نو- شماره ۰۱۵

آدرس تماس: Mr. M. Lari  
R.P., 115  
75263-Paris CEDEX 06

۷- نشریه اتحاد کار- ارگان مرکزی سازمان فدایی - ایران- شماره های  
۰۲۱ و ۰۲۲

۸- Heidelberger Internationalismus  
Rund brief . Nr. 3 , Julio 1991

۹- آواری زن - چاپ نروژ - ساندنس، شماره ۰۲

۱۰- پیام شورا- ارگان شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی- پاکستان-  
کراچی شماره های ۰۴۶-۰۴۷

رفیق عبدالله، نامتان به دستمان رسید. از اینکه دریافت نشریه  
پوشش را اطلاع دانه بودید، بسیار متشکریم. ما در آینده نیز شماره های  
پوشش را به آدرستان ارسال خواهیم نمود. بسیار خوشحال خواهیم شد  
اگر ما را در جریان اخبار محیط زندگیاتان و بویژه وضعیت پناهندگان  
ایرانی قرار دهید. موفق باشید.

کمیت اعتراض علیه سفر رفسنجانی به اروپا - هانسوفر،  
گزارش کار شما را دریافت کردیم. از لطفتان سپاسگزاریم و برای  
شما آرزوی موفقیت داریم.

در فاصله انتشار شماره ۱۹ پوشش تاکنون نشریات زیر به دستمان رسیده  
است.

ما در شماره های ۱۷-۱۸ و ۱۹ پوشش آدرس تماس پاروی از این نشریات  
را ذکر نمودیم. در این شماره نیز آدرس تماس نشریاتی که در شماره های  
قبل چاپ نشده اند را ذکر خواهیم کرد.

- ۱- نقد و بررسی برنامه و عمل " شورای پناهندگان ایرانی- ترکیه -  
آنکارا" با امضای جمعی از پناهندگان آنکارا.
- ۲- نشریه Arbeiter Kurier - شماره های ۱۲ و ۱۳ به زبان  
آلمانی.

بقیه از صفحه ۲۱

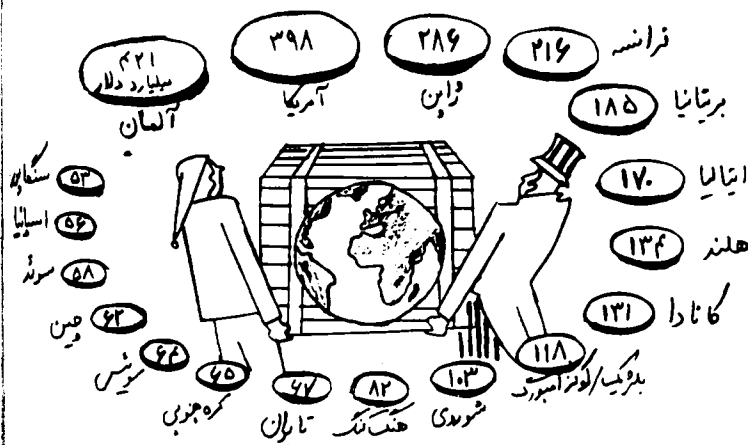
کمیابی گوشت در ایران و

قاچاق گوسفند از ایران به ترکیه

این منطقه نیز از دولت سر قاچاق گوسفند ایرانی آنجان گله بزرگی از  
گوسفند را صاحب شده که کشتارگاه شهر وان، برای کمک به تأمین مخارج  
نگهداری از گوسفندان این پادگان، معادل ۲۰۰ میلیون لیر ترک (تقریباً  
برابر با ۵۰ هزار دلار آمریکا) گوشت گوسفند از این پادگان پیش خرید  
کرده است. در کلیه پاسگاهها و پادگانهای مرزی منطقه، سربازان علاوه  
بر وظایف عادی خود مجبورند به نوبت در پست چوبانی گله های گوسفند  
نیز انجام وظیفه نمایند.

گزارش بالا با استفاده از مقاله نشریه "2000 e Doğru" (۹۱/۸/۴)  
توسط رفیق آیدین تهیه شده است.

بزرگترین صادرکننده در جهان:  
(سال ۱۹۹۰ به میلیارد دلار)



Hannoversch ALL.  
Mi. 10. April. 91

## افق روشن

برای کامیار شاپور

روزی ما دوباره کبوترهایمان را پیدا خواهیم کرد  
ومهربانی دست زیبایی را خواهد گرفت،

□

روزی که کمترین سرود بوسه است

وهر انسان

برای هر انسان

برادر است.

روزی که دیگر درهای خانه‌شان را نمی‌بندند

قفل افسانه‌یست

وقلب

برای زندگی بس است.

روزی که معنای هر سخن دوست داشتن است

تا تو به خاطر آخرین حرف دنبال سخن نگردی .

روزی که آهنگ هر حرف، زندگی‌ست

تامن به خاطر آخرین شعر رنج جست وجوی قافیه‌نبرم.

روزی که هر لب ترانه‌ی‌ست

تا کمترین سرود، بوسه باشد.

روزی که تو بیائی ، برای همیشه بیائی

ومهربانی باز بیائی یکسان شود.

روزی که ما دوباره برای کبوترهایمان دانه بریزیم...

□

ومن آنروز را انتظار می‌کشم

حتی روزی

که دیگر

نباشم.

"خواب"

خواب غنیمتی است

نایاب

پلکهای خسته مودی را

که شبها راه می‌پوید

خواب رویائی است شاید

که دست یافتن به آن

آرزوی مبهمی باشد

برای مودی که شبها

راه می‌پوید

آی که آرام خفتای

ست در آغوش نگارت

سبک بسال و

بی غم

و سر مست از بادۀ شادی

هیچ میدانی که خفتن را

با چشمان شیروان

دیار عشق

سر هیچ سازگاری نیست؟

بخواب آرام اینجا

بی هیچ نغمه و خاطر حزینی

بگامت باد آسایش

ولی آنجا مردانی و زنانی که

پلکهایشان ملو از تنای

خواب شیروان است

ببهار مانده‌اند، در

رویای آسایش

هیچ پرسیدم از خود

چه میخواهند اینان

این خیل بیداران و بیخوابان

این بیگانگان با رخوت و سستی

چرا از خود دور میدارند

اینچنین

جز به شهوت انگیز همسری

با خواب شیروان را در

حسرها

با خود استگونه سخن نابد آنان

که مهربانت آسایش

از آن همگان باشد

رحمان

□

## پاسخ دفتر سازمان ملل به نامه اعتراضی ما

طبق اظهارات مرکز ما در ژنو، تعداد ایرانیان متقاضی پناهندگی در پاکستان از سال ۱۹۸۸ به طور مداوم کاهش یافته است. از جمله بدلیل تلاش های موفقیت آمیز UNHCR در جهت گسب امکاناتی برای مهاجرت پناهندگان به کشورهای دیگر، تعداد افرادی که احتیاج به حمایت دارند، بشدت کاهش یافته است.

از آنجا که با توجه به این شرایط و ( با توجه به ) وضعیت عموماً وخیم مالی UNHCR، در حال حاضر نگهداری تمامی دفترهای UNHCR در پاکستان صحیح به نظر نمیرسد، قرار است شعبه UNHCR در کراچی تا تاریخ ۳۰ سپتامبر امسال بسته شود. پناهندگانی که تا این زمان توسط UNHCR کراچی سرپرستی شدهاند، میبایست توسط دفترهای موجود

در اسلام آباد، پشاور و کوئته تحویل گرفته شوند. از این رو نگرانی در مورد وخامت وضعیت کسانی که تحت حمایت حقوقی UNHCR هستند، نمیتواند وجود داشته باشد.

در پایان مایلیم به شما تضمین دهیم که UNHCR بر اساس تعهدات بین المللی اش خواهد کوشید که پناهندگان ایرانی در پاکستان کافی السابق هر کمیک و حمایتی که طبق قراردادهای بین المللی از جمله قرار داد ژنو در مورد حقوق پناهندگان به رسمیت شناخته شده، برخوردار گردند.

ما امیدواریم که با این اطلاعات به شما یاری رسانده باشیم.

با سلامهای دوستانه والتر بریل

دستیار قسمت حقوقی

همانطور که در پوشش شماره قبل درج گردید، کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران در واکنش به امکان بسته شدن دفتر سازمان ملل ( UNHCR ) در پاکستان و خطری که در این رابطه جان هزاران پناهنده ایرانی در این کشور را تهدید میکند، نامه اعتراضی آمیزی به مراجع ذیصلاح از جمله به کمیساریاهای عالی پناهندگی سازمان ملل در اروپا، آلمان و پاکستان فرستاد.

در پاسخ به این نامه، بخش کمیساریای پناهندگی سازمان ملل در آلمان نامهای برای ما ارسال داشته که ترجمه آن را جهت اطلاع خوانندگان در این شماره نشریه به چاپ میرسانیم.

ما از همه پناهندگان - بویژه پناهندگان پاکستان - درخواست میکنیم برای پیگیری موضوع و دادن پاسخی مستند به سازمان ملل ما را یاری نموده و موارد مشخصی از عملکردهای ضد پناهندگی سازمان ملل در پاکستان را در اختیارمان بگذارند.

متن نامه مورخ ۱۲ سپتامبر کمیساریای عالی پناهندگی در آلمان به ما:

خانم ها و آقایان محترم!

از شما به خاطر نامه مورخ ۷ ژوئن ۹۱ که در آن نسبت به حمایت آتی UNHCR پاکستان از پناهندگان ایرانی ابراز نگرانی کرده بودید، تشکر میکنیم. ما اکنون پس از تماس با مرکزمان در ژنو و دفتر UNHCR در پاکستان میتوانیم اطلاعات زیر را در اختیارتان بگذاریم.

شماره حساب بانکی

Solidaritätsverein  
mit iranischen Voelkern  
Stadtparkasse Hannover  
KTO : 501336  
BLZ : 25050180  
W - Germany

Solidaritätsverein mit  
iran ischen Voelkern  
Postfach 5311  
3000 Hannover 1  
Germany

با پوشش

همکاری کنید

زنلانی مسنگی آزاد باید کرد